

FAO Land Tenure Studies

مطالعات زمین‌داری فائو

رهنمودهای داوطلبانه حکمرانی
مسئولیت‌پذیر در تصدی‌گری
امور زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها
در قلمروی امنیت غذایی

مترجم:
حمیدرضا زرننگار

سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو)

رم ۲۰۱۳

۱۳.	یکپارچه‌سازی زمین و دیگر رهیافت‌های باز اصلاح‌گرانه.....	۳۹
۱۴.	اعاده.....	۴۱
۱۵.	اصلاحات باز توزیعی.....	۴۳
۱۶.	خلع ید و غرامت.....	۴۶
گفتار پنجم:	اداره تصدی‌گری.....	۴۹
۱۷.	سوابق حقوق تصدی‌گری.....	۴۹
۱۸.	ارزش‌گذاری.....	۵۲
۱۹.	مالیات.....	۵۳
۲۰.	برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده.....	۵۴
۲۱.	حل اختلافات بر سر تصدی‌گری.....	۵۵
۲۲.	مباحث فرا مرزی.....	۵۷
گفتار ششم:	پاسخ‌ها به تغییرات آب و هوایی و وضعیت‌های اضطراری.....	۵۹
۲۳.	تغییرات آب و هوایی.....	۵۹
۲۴.	بلاایای طبیعی.....	۶۰
۲۵.	درگیری‌های مربوط به تصدی زمین، صیدگاه و جنگل.....	۶۲
گفتار هفتم:	گسترش، اجرا، پایش و ارزشیابی.....	۶۷
۲۶.	مسئولیت.....	۶۷

فهرست مطالب

مقدمه

پیشگفتار مترجم

مقدمه مؤلف

گفتار اول:	مباحث کلی.....	۱
۱.	مقاصد.....	۱
۲.	ویژگی و محتوا.....	۲
گفتار دوم:	مباحث عمومی.....	۵
۳.	اصول راهنمای حکمرانی بر تصدی‌گری مسئولیت‌پذیر.....	۵
۴.	حقوق و مسئولیت‌های مرتبط با تصدی‌گری.....	۹
۵.	چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی مرتبط با تصدی‌گری.....	۱۳
۶.	توزیع خدمات.....	۱۵
گفتار سوم:	به رسمیت شناختن قانونی و پذیرش حقوق و وظایف تصدی‌گری.....	۱۹
۷.	حفاظت.....	۱۹
۸.	زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های عمومی.....	۲۱
۹.	مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی.....	۲۵
۱۰.	تصدی‌گری‌های غیر رسمی.....	۲۹
گفتار چهارم:	نقل و انتقال‌ها و سایر تغییرات در حقوق و وظایف تصدی‌گری.....	۳۱
۱۱.	بازارها.....	۳۲
۱۲.	سرمایه‌گذاری‌ها.....	۳۴

بهینه از اراضی کشاورزی مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌های علمی و عملی را در دستور کار قرار داده‌اند. آمایش سرزمین و تعیین و تثبیت کاربری اراضی سرزمینی با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و جغرافیایی و مزیت نسبی اراضی در مناطق مختلف کشور، اجرای کاداستر اراضی و تهیه نظام جامع بانک اطلاعات مکانی و توصیفی اراضی و به خصوص اراضی کشاورزی از جمله کاربری‌ها و برنامه‌ریزی‌های پایه‌ای است که لازم است با همکاری و هماهنگی همه دستگاه‌های اجرایی به‌عنوان زیرساخت مدیریت زمین و برنامه‌های حفاظت اراضی در دستور کار هر کشوری قرار گیرد و انجام مجموعه برنامه‌های مدیریت زمین بدون وجود چنین زیرساخت و ساختارهایی عملاً چندان با موفقیت همراه نخواهد بود.

مدیریت صحیح و کارآمد زمین در ایران دارای چند رکن و ضرورت اساسی به‌عنوان مهم‌ترین وظایف و مأموریت‌های حاکمیتی دولت محسوب می‌شود. در راس این ضروریات، حفاظت از اراضی کشاورزی و صیانت از منابع ملی و محیط‌زیست با رویکرد حفاظت خاک و آب قرار دارد. جلوگیری از خرد شدن مزارع و باغ‌ها و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با رویکرد اقتصادی نمودن تولید و افزایش بهره‌وری از جمله دیگر مأموریت‌های حاکمیتی برای حفاظت از زمین و سرزمین است. علاوه بر این، برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از زمین، نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از اراضی به خصوص اراضی واگذاری از محل منابع ملی و دولتی با رویکرد حفظ حقوق متقابل مردم و دولت و در عین حال تلاش عملی برای رفع اختلافات و تداخلات ملکی دولت و مردم از جمله دیگر مأموریت‌های اساسی حاکمیت در مقوله مدیریت زمین است. طبیعی است که تأمین زیرساخت‌های مناسب و تهیه بانک جامع اطلاعات مکانی اراضی و ورود حاکمیت به ساماندهی و تعیین تکلیف اراضی ملی، دولتی و اشخاص می‌تواند به وضوح حجم تداخلات ملکی و اختلافات ارضی را کم و بهره‌برداری از اراضی در راستای تأمین غذا و توسعه اقتصاد کشاورزی را تسهیل کند.

مقدمه

در همه جوامع تأمین امنیت غذایی مردم و حفظ سلامت جامعه در بلندمدت مستلزم تأمین شرایط لازم برای حفظ و پاسداشت اراضی موجود برای استفاده مستمر و مؤثر از آن‌ها است. از این رو مدیریت پایدار زمین و برنامه‌ریزی برای ساماندهی، حفاظت و بهره‌برداری بهینه از اراضی کشاورزی به‌عنوان منابع پایه تأمین غذا و تضمین‌کننده تداوم حیات بشری، یکی از مأموریت‌های مهم حکومت‌ها و مردمان هر جامعه است.

بر همین اساس است که مساله مدیریت زمین و اجرای قوانین و مقررات مربوط به مالکیت‌های عمومی و خصوصی و بهره‌برداری از زمین در کشور طی دهه‌های اخیر همواره با چالش‌های پیچیده و متعددی مواجه بوده و رفع چالش‌های موجود، مستلزم همکاری و هماهنگی مردم و دولت، افزایش تعامل و هم‌افزایی همه دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و نظارتی، بهره‌گیری از دانش صاحب‌نظران و تجارب داخلی و بین‌المللی این حوزه، ایجاد نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر پژوهش است.

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری و دیگر سران قوا در خصوص ضرورت توجه جدی به مدیریت صحیح برای حفاظت از زمین‌های کشاورزی و منابع ملی و لزوم مبارزه با زمین‌خواری و نیز تأکید بر لزوم اصلاح قوانین و مقررات و بازنگری در سیاست‌ها نیز اهمیت این موضوع را بیش‌تر از قبل مشخص کرده است.

سازمان خواروبار جهانی (فائو) و همه کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو در عرصه کشاورزی، سال‌هاست که برای مدیریت زمین، حفظ و بهره‌برداری

در دهه‌های اخیر با توسعه کشور گرایش به شهرنشینی رشد قابل توجهی داشته و جمعیت شهری کشور به شدت افزایش یافته است. طی دو دهه گذشته در اثر این تغییرات جمعیتی و گسترش محدوده شهرها و روستاها در اراضی کشاورزی و ساخت و سازهای غیرقانونی در خارج از مناطق مجاز، بیش از یک میلیون هکتار از اراضی کشاورزی کشور به صورت مجاز و یا غیر مجاز تغییر کاربری داده شده و از چرخه تولید خارج گردیده که این هشدار جدی برای تأمین امنیت غذایی در آینده خواهد بود.

سازمان امور اراضی کشور به‌عنوان مرجع انتظام‌بخشی به قوانین و مقررات حوزه زمین و یکی از اصلی‌ترین متولیان مدیریت زمین در کشور بر آن است تا با برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت کارآمد، در جایگاه تحقق اهداف حاکمیتی که در حیطه وظایف، مأموریت‌ها و اختیارات این سازمان قرار دارد، اراضی کشور و به ویژه اراضی کشاورزی را ساماندهی و مدیریت نموده، توسعه داده و از آسیب‌های پیش‌رو جلوگیری نماید. استفاده از تجارب سایر کشورهای جهان، بهره‌گرفتن از برنامه‌ها، توصیه‌ها و تجارب سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان خوارو بار جهانی (فائو) از جمله برنامه‌هایی است که این سازمان در راستای بهبود مدیریت زمین و ساماندهی و حفاظت از اراضی کشاورزی در دستور کار خود قرار داده است. مجموعه مطالعات زمین‌داری سازمان خوار و بار کشاورزی ملل متحد تحت عنوان «مطالعات زمین‌داری فائو FAO Land Tenure Studies» مجموعه‌ای از گزارش‌های مربوط به موضوع پیچیده زمین‌داری است. این کتاب‌ها در پی ارائه دستورات عمل‌های الزام‌آور برای کشورها و جوامع و مباحث کامل و جامع نیست بلکه منعکس‌کننده آن چیزی است که فائو و همکاران بین‌المللی با عنوان «اقدامات مطلوب» برای توسعه پایدار روستایی و کشاورزی یافته‌اند.

کتاب حاضر از مجموعه انتشارات سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در حوزه مدیریت زمین با عنوان «رهنمودهای داوطلبانه

حکمرانی مسئولیت‌پذیر در تصدی‌گری امور زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها در قلمرو امنیت غذایی» است. در این کتاب تلاش شده است با ارائه تجارب کارشناسان فائو در برخی مناطق جهان، مجموعه‌ای از رهنمودها و راه‌کارهای اجرایی در خصوص شیوه‌های مطلوب و مسئولانه اعمال حاکمیت، برنامه‌ریزی، تصدی‌گری و مدیریت اراضی کشاورزی، صیدگاه‌های شیلاتی، جنگل‌ها و سایر منابع طبیعی تجدیدشونده مولد مواد غذایی ارائه شود. به عبارتی می‌توان گفت که تبیین و تصریح وظایف دولت‌ها در مراحل و فرایندهای متعدد اعمالیت حاکمیت در زمینه تصدی‌گری امور مربوط به انواع اراضی مهم‌ترین هدفگذاری این مجموعه رهنمود است. از این رو این کتاب می‌تواند به‌عنوان یک مرجع و راهنمای کارآمد از سوی برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، مجریان، تشکل‌ها و جوامع مدنی دست‌اندرکار و متخصصان حوزه مدیریت مالکیت و بهره‌برداری زمین مورد استفاده قرار گیرد.

بی‌شک چاپ ترجمه فارسی این کتاب و دیگر مجلدات این مجموعه و همچنین انتشار آن از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی تخصصی حوزه کشاورزی و مدیریت زمین به ویژه پایگاه اینترنتی سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) می‌تواند در پیشبرد اهداف وزارت جهاد کشاورزی و سازمان امور اراضی کشور، تحقق برنامه‌های توسعه روستایی و حل و فصل مسائل مرتبط با مدیریت مالکیت و بهره‌برداری از زمین در داخل کشور و همچنین سایر کشورهای فارسی‌زبان تأثیرگذار باشد.

قباد افشار

توضیح مختصری در خصوص واژگانی نظیر «حکمرانی» و «تصدی‌گری» در اینجا مفید به نظر می‌رسد.

حکمرانی یا حکمرانی مطلوب (ترجمه از واژگان *Governance* و *Good Governance*) دو اصطلاحی‌اند که در سه دهه اخیر در محافل بین‌المللی و سیاست‌گذاری بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. شاید نخستین بار در سال ۱۹۸۹ بانک جهانی در گزارش خود آثار حکمرانی نامطلوب (حکمرانی بد) را بر تأخیر در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مطرح کرد. از نظر بانک جهانی حکمرانی مطلوب در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت، بوروکراسی شفاف، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم و برابری همگان در برابر قانون تبلور می‌یابد. به باور بسیاری، حکمرانی مطلوب تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و ...) منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. حکمرانی مطلوب دربرگیرنده اصولی است. مهم‌ترین این اصول در مواردی چون مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، تلاش در جهت وفاق و همگرایی عمومی، تساوی افراد، اثربخشی و کارایی و سرانجام مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها متجلی می‌گردد. رویکرد کتاب حاضر و به‌طور کلی سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) آن است که مجموعه‌ای از این اصول در امر تصدی‌گری و مدیریت منابع طبیعی مولد و پدید آورنده مواد غذایی مراعات و ملحوظ گردد.

تصدی‌گری (ترجمه از واژه انگلیسی *Tenure*) به معنای در اختیار داشتن مال یا مسئولیتی است. این واژه خود در ترکیب با واژه زمین (به صورت *Tenure Land*) موجد اصطلاح زمین‌داری است که در کاربرد فنی و متداول بسیار فراتر از مالکیت بر زمین است و می‌تواند بر طیف گسترده‌ای از عملکردهای مدیریت و بهره‌برداری زمین اطلاق گردد؛ خواه

پیشگفتار مترجم

اثر حاضر با عنوان رهنمودهای داوطلبانه حکمرانی مسئولیت‌پذیر در تصدی‌گری امور زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها در قلمروی امنیت غذایی بر خلاف عنوان نسبتاً طولانی خود به دنبال نیازی بسیار ساده و قابل درک فراهم آمده است.

سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) ناشر و الهام‌بخش اثر حاضر یک نهاد بین‌المللی است که برای گسترش و نوسازی کشاورزی، جنگل‌داری، شیلات و تأمین غذای مناسب برای همگان، به کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند. یکی از جنبه‌های اساسی و غیر قابل تفکیک از حقوق انسانی ابنا‌ی بشر از نقطه نظر سازمان مذکور و اعضای آن حق برخورداری از غذای کافی برای افراد در بطن یک امنیت غذایی ملی در هر یک از جوامع انسانی است. بر پایه این حق بنیادین سازمان مذکور با بهره‌گیری از مشارکت وسیع اعضا، کارشناسان و همکاران خود و به دنبال هم‌اندیشی‌ها و رایزنی‌های متعدد از سال ۲۰۰۴ میلادی به این سوی به تهیه مجموعه رهنمودهایی در مقام ابزارهای توسعه و مدیریت مسئولانه بر منابع تولید غذا همچون زمین، صیدگاه‌های شیلاتی و جنگل‌ها همت نمود. در حقیقت همان گونه که کتاب بیان می‌کند این ابزارها اسناد نسبتاً کوتاهی هستند که برای استفاده در هنگام توسعه راهبردها، اقدامات، قوانین، برنامه‌ها و فعالیت‌ها چارچوبی را فراهم می‌سازند. محتوای اثر حاضر تیز در جهت حمایت از مجموعه تلاش‌ها به منظور حکمرانی بر تصدی‌گری منابع تولید غذا تدوین شده است. از این روی

مدیر یا بهره‌بردار بر زمین و منابع آن مالکیت داشته باشد یا نداشته باشد. به هر روی به نظر می‌رسد خواسته اصلی اثر حاضر آن است که چگونگی تصدی و مدیریت منابع طبیعی تجدیدشونده مولد مواد غذایی را (با تأکید بر زمین، صیدگاه‌های شیلاتی و جنگل‌ها) در پرتوی اصول حکمرانی مطلوب مطرح نماید.

کتاب حاضر به‌طور بالقوه می‌تواند در برگیرنده طیفی از مخاطبان اعم از برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، مجریان، جوامع مدنی دست‌اندرکار و متخصصان باشد؛ اما در اکثر موارد در رهنمودهای کتاب به صورت مکرر بر مسئولیت دولت‌ها در مراحل و فرآیندهای متعدد حکمرانی در زمینه تصدی‌گری تأکید و تصریح شده است. به ویژه این تصریحات با بیان عباراتی همچون «الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل» و یا «تعهدات داوطلبانه» که به‌طور مشخص به مسئولیت‌های دولت‌های عضو اشاره دارند همراه گردیده است. کاربرد این گونه عبارات تا حدودی متن حاضر را با متون مشابه در حقوق و اسناد بین‌الملل شبیه می‌سازد.

عنایت سازمان امور اراضی کشور به انتشار ترجمه اثر حاضر بدون تردید نشانه دیگری از علاقمندی سازمان به گسترش مباحث حاکمیتی و تقویت نقش دستگاه‌های مسئول، بهره‌برداران و جامعه در پایدارسازی منابع خدادادی و طبیعی مولد امنیت غذایی است.

حمیدرضا زرنگار

خرداد ۱۳۹۳

پیچیده است. دولت‌ها در همان حال که وجود الگوهای متفاوت و نظام‌های حکمرانی این منابع را در درون زمینه‌های ملی خود به رسمیت می‌شناسند ممکن است بخواهند برای اجرای این رهنمودها به نحوی شایسته حکمرانی منابع متصل و مرتبط با آن‌ها را نیز در نظر گیرند. این که چگونه مردم، اجتماعات محلی و سایرین به زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها دست می‌یابند توسط جوامع به واسطه نظام‌های تصدی‌گری تعریف می‌شوند. این نظام‌های تصدی‌گری مشخص می‌سازند: چه کسی، کدام منابع را، برای چه مدت و تحت چه شرایطی می‌تواند به کار برد؟

این نظام‌ها می‌توانند مبتنی بر سیاست‌های مکتوب و قوانین و یا سنت‌ها و اعمال نانوشته باشند. نظام‌های تصدی‌گری به‌گونه‌ای فزاینده با فشار رشد جمعیت جهانی که نیازمند تأمین امنیت غذایی است روبه‌رو می‌باشند. در همان حال که زوال محیط‌زیست و تغییرات آب و هوایی دسترسی به زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را کاهش می‌دهد. حق دسترسی ناقص و نامطمئن، آسیب‌پذیری، گرسنگی و فقر را افزایش داده و می‌تواند در جریان رقابت‌های گروه‌های رقیب بر سر تسلط بر منابع به زوال محیط‌زیست منجر گردد. اعمال حاکمیت نیز در تعیین شرایط و چگونگی توانمندی مردم و اجتماعات محلی برای کسب حقوق و انجام وظایف مربوط به بهره‌برداری و کنترل زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها عنصری حیاتی است. بسیاری از معضلات زمین‌داری از حکمرانی ضعیف ناشی می‌گردد و تأثیر کیفیت حکمرانی را در معضلات مدیریت این منابع مشخص سازد. حکمرانی ضعیف به‌گونه‌ای زینبار ثبات اجتماعی، استفاده پایدار از محیط‌زیست و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در صورتی که مردم حقوق مدیریت بر سکونت‌گاه‌ها، اراضی، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها و معیشت‌های خود را به دلیل فساد در مدیریت این

مقدمه مؤلف

این مجموعه رهنمودهای داوطلبانه فراهم آمده تا همچون یک اثر مرجع به کار آید؛ برای بهبود حکمرانی بر تصدی زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها بر اساس هدف کلی امنیت غذایی برای همگان ارائه طریق نماید و تحقق روزافزون حق برخورداری از غذای کافی را در قلمروی امنیت غذایی ملی¹ تقویت کند.

تمام این رهنمودها برای همکاری با تلاش‌های جهانی و ملی به سوی ریشه‌کنی گرسنگی و فقر بر پایه قواعد توسعه پایدار و یا شناسایی محوریت زمین به واسطه ترویج حقوق مدیریت مطمئن و دسترسی برابر به زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها، هدفگذاری می‌شوند.

ریشه‌کنی گرسنگی و فقر و کاربرد پایدار محیط‌زیست تا حد زیادی به کیفیت دسترسی مردم، اجتماعات محلی و سایر ذی‌ربطان به زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها بستگی دارد. معیشت بسیاری از افراد به ویژه فقرای روستایی به دسترسی مطمئن و برابر به این منابع و کنترل بر آن‌ها وابسته است. آن‌ها منبع غذا و پناهگاه، مبنای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و برای رشد اقتصادی عواملی محوری‌اند.

مهم آن است که توجه نماییم حکمرانی مسئولیت‌پذیر در مدیریت و تصدی امور زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها با دسترسی به سایر منابع طبیعی تجدیدشونده نظیر منابع آبی و معدنی و مدیریت آن‌ها در پیوندی

1. Progressive Realization of the right To Adequate Food in The Context Of National Food Security

فعالیت‌ها و یا شکست مؤسسات در حفظ حقوق آنان از دست دهند به تحمل یک عمر زندگی توأم با گرسنگی و فقر محکوم خواهند شد. ممکن است حتی مردم در موقعیت‌هایی بر اثر کشیده شدن حکمرانی به برخوردهای خشن جان خود را از دست دهند. بر خلاف آن، حکمرانی مسئولیت‌پذیر برای مدیریت منابع مذکور توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی را گسترش می‌دهد که آن نیز به نوبه خود می‌تواند به ریشه کنی فقر و رفع نا امنی غذایی یاری نموده و سرمایه‌گذاری مسئولانه را ترغیب نماید. سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و شرکای آن در پاسخ به علایق رو به رشد و گسترده موجود به توسعه رهنمودهایی در باب حکمرانی مسئولیت‌پذیر مبادرت نموده است. این اقدام رهنمودهای داوطلبانه‌ای را برای حمایت از تحقق روزافزون حق برخورداری از غذای کافی در درون امنیت غذایی ملی (رهنمودهای داوطلبانه حقوق مربوط به غذا) فراهم و پشتیبانی می‌نماید. حقوق مذکور توسط شورای سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در یکصد و بیست و هفتمین اجلاس آن در نوامبر ۲۰۰۴ و کنفرانس بین‌المللی اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی^۱ تصویب گردید. کمیته امنیت غذایی جهانی^۲ استمرار فرایند جامع توسعه این رهنمودها را با توجه به ارسال آن‌ها برای در نظر گرفتن ملاحظات کمیته مذکور تشویق نمود و به ایجاد یک گروه کاری نامحدود در کمیته برای بازبینی اولین پیش‌نویس مصمم گردید.

این رهنمودها به‌گونه‌ای فشرده شکل‌بندی سایر ابزارهای داوطلبانه سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) را برای تدوین اصول و

ضوابط^۱ پذیرفته شده بین‌المللی در خصوص اقدامات مسئولانه زیر پیگیری می‌نماید:

- رهنمودهای داوطلبانه برای حقوق برخورداری از غذا
 - اصول اداره آبی‌ری پروری مسئولانه
 - اصول بین‌المللی راهبری توزیع و کاربرد سموم
 - مدیریت مسئولانه جنگل‌های کاشته شده، رهنمودهای داوطلبانه
 - رهنمودهای داوطلبانه مدیریت آتش، اصول و فعالیت‌های راهبردی
- این ابزارها اسناد نسبتاً کوتاهی (خلاصه) هستند که برای استفاده در هنگام توسعه راهبردها، اقدامات، قوانین، برنامه‌ها و فعالیت‌ها چارچوبی را فراهم می‌سازند. ابزارهای مذکور به واسطه گستره وسیعی از اسناد الحاقی نظیر رهنمودهای انضمامی که جزئیات فنی را در جنبه‌های خاص مورد نیاز در بر دارد، مواد آموزشی و ارشادی و سایر راهنمایی‌های یاری‌بخش در اجرا همراهی می‌گردد. این رهنمودها در سی و هشتمین اجلاس (ویژه) کمیته امنیت غذایی جهانی در تاریخ ۱۱ ماه مه ۲۰۱۲ مورد تأیید قرار گرفت. رهنمودهای مذکور توسط یک گروه کاری نامحدود در اجلاس‌های ژوئن، ژوئیه، اکتبر ۲۰۱۱ و مارس ۲۰۱۲ تکمیل شد. رهنمودها بر مبنای فرایند کلی رایزنی‌های منطقه‌ای در کشورهای برزیل، بورکینافاسو، اتیوپی، اردن، نامیبیا، پاناما، رومانی، فدراسیون روسیه، ساموآ و ویتنام در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ فراهم گردیده است. این مشاوره‌های منطقه‌ای تقریباً ۷۰۰ تن از افراد را به نمایندگی از بخش‌های عمومی و خصوصی، جامعه مدنی و مراکز علمی در ۱۳۳ کشور گرد هم آورد. در چهار اجلاس مشورتی در قاره‌های آفریقا (مالی)، آسیا (مالزی)، اروپا و آسیای مرکزی و غربی (ایتالیا) و آمریکای لاتین (برزیل) ۲۰۰ شخصیت از ۷۰ کشور حضور یافتند و یک اجلاس مشورتی برای بخش

1. International Conference on Agrarian Reform and Rural Development (ICARRD)

2. Committee on World Food Security (CFS)

خصوصی نیز بیش از هفتاد شخصیت را از ۲۱ کشور گرد هم آورد. علاوه بر آن رهنمودهای مزبور پیشنهادهای دریافتی را به صورت مشاوره‌های الکترونیکی (در فضای مجازی) برای فاز صفر پیش‌نویس به همراه داشت. این پیشنهادهای از سراسر جهان توسط بخش‌های عمومی، خصوصی، جوامع مدنی و مراکز علمی ارسال شد. این رهنمودها در برگیرنده و ارائه‌دهنده ابزارهای بین‌المللی و منطقه‌ای و شامل اهداف توسعه هزاره و مشخص‌کننده حقوق بشر و حقوق تصدی‌گری است. در صورتی که خوانندگان این رهنمودها در پی بهبود حکمرانی بر تصدی‌گری‌ها باشند آنان ترغیب خواهند شد که به شکلی منظم برای الزامات عملی و تعهدات داوطلبانه خود و رسیدن به رهنمودهای الحاقی، این ابزارها را بازبینی نمایند.

- مدیریت و کنترل زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها، حکمرانی بر امر تصدی‌گری را بهبود بخشند.
 ۲. در بهبود و توسعه چارچوب‌های سیاست‌گذاری، قانونی و سازمانی که دامنه حقوق تصدی‌گری موجود در منابع را تنظیم می‌کنند همراهی نمایند.
 ۳. شفافیت را ارتقا داده و وظیفه‌مندی نظام‌های تصدی‌گری را بهبود بخشند.
 ۴. ظرفیت‌ها و عملیات مؤسسات اجرایی، مراجع قضایی، دولت‌های محلی، سازمان‌های کشاورزی و تولیدکنندگان کوچک مقیاس آبزیان، بهره‌برداران جنگل، دامپروران، بومیان و سایر اجتماعات محلی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، دانشگاهیان و تمامی علاقمندان به حکمرانی در تصدی‌گری را تقویت نموده و همکاری میان کنش‌گران مذکور را گسترش دهند.
- قابل ذکر است که هیچ تعریف بین‌المللی از مفهوم زمین در درون زمینه تصدی‌گری وجود ندارد و مفهوم مذکور می‌تواند در متن زمینه‌های ملی تعریف گردد.

۲. ویژگی و محتوا

- ۱-۲. این رهنمودها داوطلبانه‌اند.
- ۲-۲. این رهنمودها باید در سازگاری با الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل و در توجه به تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی باشند. این رهنمودها مکمل و پشتیبان اقدامات منطقه‌ای و بین‌المللی سازنده حقوق بشر و ایجادکننده حقوق تصدی‌ایمن زمین، صیدگاه و جنگل و اقدامات مربوط به بهبود حکمرانی‌اند. در این رهنمودها چیزی در مقام

گفتار اول

مباحث کلی

۱. مقاصد

- ۱-۱. این رهنمودهای داوطلبانه در پی آنند که حکمرانی بر مدیریت و تصدی‌گری امور زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را بهبود بخشند. رهنمودهای مذکور این کار را به نفع همگان انجام می‌دهند؛ اما با توجه به اهداف امنیت غذایی و تحقق روزافزون حق برخورداری از غذای کافی، ریشه‌کنی فقر، معیشت‌های پایدار، ثبات اجتماعی، تأمین مسکن، توسعه روستایی، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی بر افراد آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای تأکید می‌شود. تمام برنامه‌ها، سیاست‌ها و کمک‌ها به بهبود حکمرانی در خصوص تصدی‌گری به واسطه اجرای این رهنمودها باید با الزامات موجود دولت‌ها در حقوق بین‌الملل شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر سازگار باشند.
- ۲-۱. این رهنمودها در پی آنند که:
 ۱. با فراهم ساختن راهنمایی و اطلاعات در خصوص اقدامات مورد پذیرش برای نظام‌های مرتبط با حقوق استفاده و

محدودیت یا تضعیف الزامات قانونی دولت‌ها به بهانه تبعیت از مقررات بین‌المللی دیده نمی‌شود.

۳-۲. رهنمودها می‌توانند توسط دولت‌ها، مؤسسات اجرایی، مراجع قضایی، دولت‌های محلی، سازمان‌های کشاورزان، تولیدکنندگان کوچک مقیاس آبزیان، بهره‌برداران جنگل، دامپروران، بومیان و سایر اجتماعات محلی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، دانشگاهیان و تمامی کسانی که به ارزیابی حکمرانی بر تصدی‌گری و شناسایی اصلاحات و کاربرد رهنمودها توجه دارند به کار روند.

۴-۲. محتوای این رهنمودها جهانی است. این رهنمودها با توجه به زمینه‌های ملی می‌توانند در تمام کشورها و مناطق، در کلیه سطوح توسعه اقتصادی و برای حکمرانی در تمام گونه‌های تصدی‌گری شامل انواع عمومی (دولتی)، خصوصی، اجتماعی، بومی و سنتی به کار آیند.

۵-۲. باید این رهنمودها به شکلی منطبق با نظام‌های حقوقی ملی و نهادهای آن‌ها در آمده و به کار روند.

۲. دولت‌ها باید از حقوق مشروع تصدی در برابر تهدیدها و نقض حقوق محافظت نمایند. دولت‌ها باید از دارندگان حقوق تصدی در برابر فقدان خودسرانه حقوق آنان که شامل تخلیه اجباری که متناقض با الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل است حراست کنند.

۳. باید بهره‌برداری از حقوق تصدی مشروع را ترویج نموده و تسهیل بخشند. دولت‌ها باید اقدامات فعالی را به منظور ترویج، تسهیل و تحقق کامل حقوق تصدی و تبادلات حقوق به عمل آورند؛ به‌عنوان نمونه اطمینان یابند که خدمات در دسترس همگان است.

۴. دولت‌ها باید دسترسی به عدالت را در برابر نقض حقوق تصدی مشروع فراهم کنند. دولت‌ها باید به واسطه مراجع قضایی و دیگر رهیافت‌ها ابزارهای مؤثر و در دسترس را برای حل اختلافات مربوط به حقوق تصدی و موجبات اجرای میسر و سریع احکام صادره را در این زمینه فراهم نمایند. دولت‌ها در جایی که حقوق تصدی به خاطر مقاصد عمومی از دارندگان این حقوق گرفته می‌شود باید به شکل سریع و دقیق جبران خسارت نمایند.

۵. دولت‌ها باید از اختلافات بر سر تصدی، درگیری‌های خشونت بار و فساد ممانعت نمایند. دولت‌ها باید برای ممانعت از بروز و شکل‌گیری اختلافات در تصدی اقدامات فعالی را به عمل آورند. لازم است دولت‌ها در جهت پیشگیری از فساد در تمام اشکال، تمام سطوح و در تمام شرایط تلاش نمایند.

بخش‌های غیرحکومتی شامل مؤسسات تجاری برای احترام به حقوق بشر و حقوق تصدی مشروع دارای مسئولیت‌اند. مؤسسات تجاری

گفتار دوم

مباحث عمومی

این گفتار حکمرانی بر تصدی امور زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را با توجه به حقوق و مسئولیت‌ها، چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی و توزیع خدمات مشخص می‌سازد. در درون حکمرانی بر تصدی‌گری، دولت‌ها در ذیل ابزارهای عملی اجرای حقوق بشر بین‌الملل دارای الزاماتی‌اند. این فصل باید در هماهنگی با مبحث ویژگی و محتوای رهنمودها (فصل قبل) مطالعه شود.

۳. اصول راهنمای حکمرانی بر تصدی‌گری مسئولیت‌پذیر الف) اصول عمومی

۳-۱. دولت‌ها باید به اقدامات زیر مبادرت کنند.

۱. باید تمام دارندگان حق تصدی و حقوق تصدی آنان را به رسمیت شناخته و برای حقوق آنان احترام قایل شوند. دولت‌ها باید اقداماتی منطقی برای شناسایی، ثبت و احترام به دارندگان حق مشروع و حقوق آنان به عمل آورند؛ خواه این حقوق به صورت رسمی ثبت شده باشد یا نشده باشد؛ به این منظور که از نقض حقوق تصدی دیگران اجتناب گردد و به وظایفی که با حقوق تصدی همراه است پاسخ داده شود.

باید با تلاش کامل برای اجتناب از نقض حقوق بشر و حقوق تصدی دیگران فعالیت کنند. این مؤسسات باید به منظور پیشگیری و تشخیص آثار زیان بار نقض حقوق بشر و حقوق تصدی مشروع، نظام‌های مناسب مدیریت مخاطره^۱ را در نظر بگیرند. مؤسسات تجاری باید برای سازوکارهای ایجاد راه‌حل‌های خارج از محاکم که شامل سازوکارهای پیگیری مؤثر در سطح عملیاتی در شرایط مقتضی و در هنگامی که آثار زیان باری در زمینه حقوق بشر و حقوق تصدی مشروع پدید آمده و یا این مؤسسات در بروز این آثار سهمی داشته‌اند آماده شوند و همکاری کنند. مؤسسات تجاری باید تمام آثار بالقوه و بالفعل مؤثر بر حقوق تصدی مشروع را که امکان دارد در آن‌ها دخیل باشند شناسایی کنند. دولت‌ها نیز باید در انطباق با الزامات بین‌المللی خود دسترسی به راه‌حل‌های مؤثر حقوقی را در مورد آثار منفی فعالیت‌ها بر حقوق بشر و حقوق تصدی مشروع توسط مؤسسات تجاری فراهم سازند.^۲ در موقعیت‌هایی که شرکت‌های سوداگر طرف معامله‌اند حکومت‌های ملی آن‌ها موظف به ایفای نقش در کمک به شرکت‌های مزبور و حکومت‌های محلی میزبان در تضمین عدم سوء استفاده فعالیت‌ها از حقوق بشر و حقوق تصدی مشروع‌اند. دولت‌ها باید اقدامات پیش‌تری را در برابر سوء استفاده از حقوق بشر و حقوق تصدی مشروع توسط مؤسسات تجاری که توسط دولت مالکیت و کنترل شده و از ناحیه مؤسسات دولتی حمایت‌های اساسی دریافت می‌کنند به عمل آورند.

1. Risk Management

۲. تصریحات مذکور در این پاراگراف بر وظیفه‌مندی‌های سازمان‌های غیر حکومتی و نیز لزوم حساسیت در برابر تخلف‌های احتمالی آنان در موضوع حقوق تصدی مشروع تأکید می‌ورزند - مترجم.

ب) اصول اجرایی

این اصول برای مشارکت در حکمرانی تصدی‌گری زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها ضروری‌اند.

۱. منزلت انسانی: شناسایی منزلت ذاتی و حقوق بشر برابر و تفکیک‌ناپذیر تمام افراد.

۲. عدم تبعیض: هیچ کس نباید بر اساس قانون، سیاست‌ها و نیز در عمل در معرض تبعیض قرار داده شود.

۳. قسط و عدل: به رسمیت شناختن برابری بین انسان‌ها می‌تواند مستلزم شناسایی تفاوت‌های بین افراد و انجام فعالیت‌های مثبت نظیر توانمندسازی باشد تا حقوق تصدی مساوات‌گرایانه و دسترسی به زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها برای تمام زنان و مردان، جوانان، آسیب‌پذیران و تمام کسانی که به‌طور سنتی به حاشیه رانده شده‌اند در سطح ملی ترویج گردد.

۴. برابری جنسیتی: اطمینان از حقوق برابر زنان و مردان برای برخورداری از حقوق بشر، در همان حال که تفاوت‌های میان زنان و مردان شناسایی می‌شود و اقدامات ویژه‌ای با هدف تسریع برابری بالقوه^۱ بر اساس ضرورت صورت می‌گیرد.

۵. رهیافت مجموعه‌گرا^۲ و پایدار: به رسمیت شناختن این موضوع که منابع طبیعی تجدیدشونده و کاربرد آن‌ها به یکدیگر پیوسته‌اند و یک رهیافت یکپارچه و پایدار برای اداره آن‌ها اتخاذ می‌گردد.

۶. مشورت و مشارکت: ورود در فعالیت با کسانی که دارای حقوق مشروع‌اند و جستجوی حمایت آنان. چنین حمایتی می‌تواند متاثر از تصمیم‌ها باشد و مقدم بر تصمیم‌گیری‌ها و در پاسخ به مشارکت‌های

1. Defacto Equality

2. Holistic

آنان به عدم توازن قوای موجود میان طرفهای متفاوت توجه نموده و از مشارکت فعال، اثربخش، معنی دار و آگاهانه افراد و گروه‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری پیوسته اطمینان یابد.

۷. حاکمیت قانون: اتخاذ رهیافت قاعده محور به واسطه قوانینی که به‌گونه‌ای گسترده به زبان عملی و به شکل قابل اجرا برای همگان ارائه می‌شوند و به صورتی برابر و مستقل برای همگان اجرا می‌گردند و با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند.

۸. شفافیت: تعریف واضح و به‌طور گسترده عمومیت یافته سیاست‌ها، قوانین، رویه‌ها و تصمیم‌ها به زبان‌های قابل استفاده و به شکل‌های قابل دسترس برای همگان.

۹. جواکویی: پاسخگو ساختن افراد، مؤسسات عمومی و فعالان غیر دولتی در قبال فعالیت‌ها و تصمیم‌های خود مطابق با اصل حاکمیت قانون.

۱۰. بهبود مستمر: دولت‌ها باید سازوکارهای پایش و تجزیه و تحلیل حکمرانی بر تصدی‌گری را برای توسعه برنامه‌های مستند-محور^۱ و تضمین پیشرفت‌های مداوم بهبود بخشند.

۴. حقوق و مسئولیت‌های مرتبط با تصدی‌گری

۱-۴. دولت‌ها باید تلاش کنند که حکمرانی مسئولیت‌پذیر را تضمین کنند؛ زیرا زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها برای تحقق حقوق بشر، امنیت غذایی، ریشه کنی فقر، معیشت‌های پایدار، ثبات اجتماعی، تأمین مسکن، توسعه روستایی و رشد اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت محوری‌اند.

۲-۴. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌های مربوط به تصدی و حکمرانی با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و نیز تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگار است.

۳-۴. تمام طرف‌ها باید این موضوع را به رسمیت بشناسند که هیچ حق تصدی‌گری که شامل مالکیت خصوصی نیز می‌گردد مطلق نیست. تمام حقوق تصدی‌گری به واسطه حقوق سایرین و اقدامات دولت‌ها که برای مقاصد عمومی ضروری‌اند محدود می‌شوند. چنین اقداماتی باید توسط قانون منحصراً به منظور گسترش رفاه عمومی که شامل حفظ محیط‌زیست و در سازگاری با الزامات حقوق بشری دولت‌ها می‌باشد تعیین گردند. علاوه بر آن حقوق تصدی به واسطه وظایف متعادل می‌شوند. همگان باید به حفظ درازمدت و کاربرد پایدار زمین، صیدگاه و جنگل احترام قایل شوند.

۴-۴. دولت‌ها باید بر اساس آزمون حقوق تصدی‌گری مطابق با حقوق ملی خود به شناسایی قانونی حقوق تصدی‌گری مشروعی که در شرایط جاری توسط قانون حفاظت نمی‌گردد مبادرت کنند. سیاست‌ها و قوانین تضمین‌کننده حقوق تصدی باید غیر تبعیض‌آمیز و حساس به مبحث جنسیت^۱ باشند. دولت‌ها باید در سازگاری با این رهنمودها به واسطه قواعد عمومیت یافته، تقسیم‌بندی‌های حقوقی لازم را در نظر گیرند. تمامی گونه‌های تصدی باید تمامی افراد را با میزانی از امنیت در حق تصدی بهره‌مند ساخته و امنیت مذکور حفاظت از حقوق را در برابر تخلیه اجباری که با الزامات موجود دولت‌ها در حقوق ملی و

۱. چنین حساسیتی به معنای قایل شدن حقوق برابر بین مردان و زنان در تصدی‌گری منابع است - مترجم.

بین‌الملل ناسازگار است و حفاظت از حقوق را در برابر آزارها و تهدیدها تضمین کند.

۵-۴. دولت‌ها باید حقوق تصدی مشروع را محافظت نموده و اطمینان یابند که مردم به صورت خودسرانه از مکان‌های خود بیرون رانده نمی‌شوند و حقوق تصدی مشروع آنان به هیچ صورتی تضییع یا نقض نمی‌گردد.

۶-۴. دولت‌ها باید تمامی گونه‌های تبعیض را در ارتباط با حقوق تصدی که موارد منتج از تغییر در وضعیت تاهل، فقدان ظرفیت قانونی و فقدان دسترسی به منابع اقتصادی را شامل می‌شود از بین برده و ممنوع سازند. به ویژه دولت‌ها باید اطمینان یابند که حقوق تصدی برابر زنان و مردان مشتمل بر حقوق ارث و تخصیص حقوق مذکور رعایت می‌گردد. این فعالیت‌ها باید در سازگاری با الزامات موجود در حقوق ملی مرتبط و قانونمندی و قوانین بین‌المللی و با در نظر گرفتن تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.

۷-۴. دولت‌ها در جایی که مردم در فعالیت برای کسب حقوق تصدی برای تثبیت خود، دسترسی به خدمات مؤسسات اجرایی و مراجع قضایی و نیز مشارکت در فرآیندهای تأثیر گذار بر حقوق تصدی خویش ناتوان‌اند، باید کمک‌های بدون تبعیض و از حیث جنسیتی حساس را مهیا سازند.

۸-۴. با توجه به آن که تمامی حقوق بشر جهانی، غیر قابل تقسیم، وابسته به هم و مرتبط به هم است حکمرانی بر تصدی‌گری زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها نه تنها باید به‌طور مستقیم در پیوند با دسترسی و استفاده از این منابع محسوب گردد؛ بلکه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در این میانه

باید مورد توجه قرار گیرد. در این جهت دولت‌ها باید برای حقوق مدنی و سیاسی مدافعان حقوق بشر که شامل حقوق بشر در مورد دهقانان، مردمان بومی، ماهیگیران، دامپروران و کارگران روستایی می‌گردد احترام قایل شوند و از آن حفاظت نمایند. دولت‌ها باید الزامات حقوق بشری خویش را در هنگام ارتباط با افراد و تشکل‌های فعال در دفاع از زمین، صیدگاه و جنگل در نظر گیرند.

۹-۴. دولت‌ها باید به واسطه مراجع بی‌طرف و ذی‌صلاح قضایی و اداری دسترسی به ابزارهای فوری، قابل حصول و مؤثر حل اختلافات مربوط به حقوق تصدی را که شامل ابزارهای جایگزین حل اختلافات می‌گردد فراهم نمایند و روش‌های مؤثر حل مشکل را که می‌تواند در صورت لزوم شامل حق استیناف نیز باشد مهیا سازند. این راه‌حل‌ها باید به فوریت اجرا شوند و می‌توانند شامل مواردی نظیر بازگرداندن، جبران خسارت، غرامت و اصلاح باشند. دولت‌ها باید تلاش کنند تا مطمئن شوند که اشخاص آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده به چنین ابزارهایی دسترسی دارند. حکومت‌ها باید اطمینان یابند هر کسی که حقوق انسانی او در زمینه تصدی‌گری نقض شده به چنین ابزارهای حل اختلاف و چنین روش‌هایی دسترسی دارد.

۱۰-۴. دولت‌ها باید مشارکت بهره‌برداران از زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را برای اشتغال کامل در فرآیند مشارکتی حکمرانی بر تصدی‌گری و نیز مشارکت در فرمول‌بندی و اجرای سیاست‌ها، قوانین و تصمیم‌های مربوط به توسعه قلمرو^۱ را با نقش آفرینی کنش‌گران دولتی و غیر دولتی و در انطباق با حقوق و قانون ملی استقبال نموده و آسان سازند.

۵. چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی مرتبط با تصدی‌گری

۱-۵. دولت‌ها باید چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی که حکمرانی مسئولیت‌پذیر بر زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را گسترش می‌دهند ایجاد و ابقا نمایند. این چارچوب‌ها به اصلاحات وسیع‌تر در نظام حقوقی، خدمات عمومی و مراجع قضایی وابسته‌اند و توسط چنین اصلاحاتی پشتیبانی می‌گردند.

۲-۵. دولت‌ها باید اطمینان یابند که چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی حکمرانی بر تصدی‌گری با الزامات موجود آنان در حقوق ملی و بین‌الملل و همچنین تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعتماد منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند.

۳-۵. دولت‌ها باید اطمینان یابند که چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی حکمرانی بر تصدی‌گری در انطباق با حقوق ملی، حقوق تصدی‌گری مشروع که شامل حقوق تصدی‌گری سنتی مشروع حفاظت نشده توسط قانون نیز می‌گردد را به رسمیت شناخته و ارجح می‌گذارند. علاوه بر آن حقوق تصدی را در مورد آن‌ها تسهیل بخشیده، گسترش داده و پاسداری می‌نمایند. چارچوب‌ها باید اهمیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را منعکس سازند. دولت‌ها باید چارچوب‌هایی را فراهم سازند که غیر تبعیض‌آمیز بوده و انصاف اجتماعی و عدالت جنسیتی را گسترش دهند. چارچوب‌ها باید روابط به هم پیوسته میان زمین، صیدگاه و جنگل و کاربردهای آن‌ها را بازتاب داده و رهیافتی یکپارچه را در اداره آن‌ها ایجاد نمایند.

۴-۵. دولت‌ها باید موانع خاص فراروی زنان و دختران را در ارتباط با تصدی‌گری و حقوق توأم با آن مورد توجه قرار داده و اقداماتی را

برای اطمینان بخشیدن از این‌که چارچوب‌های قانونی سیاست‌گذاری از زنان به اندازه کافی محافظت می‌نمایند و این‌که قوانین شناسایی‌کننده حقوق تصدی‌گری زنان عملی و اجرا می‌گردد به عمل آورند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که زنان می‌توانند به صورتی مساوی با مردان به شکلی قانونی در قراردادهای مربوط به تصدی زمین وارد شوند و حکومت‌ها باید تلاش کنند که خدمات قانونی و سایر کمک‌ها را برای توانا ساختن زنان در دفاع از منافع تصدی‌گری خود مهیا کنند.

۵-۵. دولت‌ها باید به واسطه فرآیندهای مشارکتی که تمام طرف‌های تحت تأثیر را دخالت می‌دهند سیاست‌ها، قوانین و فرآیندها را توسعه بخشند و اطمینان یابند که هم مردان و هم زنان از ابتدا در تمام موارد گنجانده شده‌اند. سیاست‌ها، قوانین و رویه‌ها باید ظرفیت اجرایی را در نظر گیرند. دولت‌ها باید رهیافت‌های حساس به جنسیت را همسان‌سازی نموده و آشکارا آن‌ها را به زیان‌های قابل استفاده بیان و به صورت وسیع منتشر سازند.

۶-۵. دولت‌ها باید در تمام سطوح دولتی مسئولیت‌های لازم را ایجاد کنند که به مؤثرترین شکل خدمات در میان مردم توزیع گردد. دولت‌ها باید به روشنی نقش‌ها و مسئولیت‌های مؤسسات را در ارتباط با تصدی زمین، صیدگاه و جنگل تعریف نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که میان مؤسسات اجرایی با دولت‌های محلی و مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های سنتی تصدی‌گری هماهنگی وجود دارد.

۷-۵. دولت باید فرصت‌هایی را برای جامعه مدنی، بخش خصوصی و مؤسسات علمی تعریف و تعمیم دهند تا در توسعه و اجرای سیاست‌ها سهمی داشته باشند.

۸-۵. دولت‌ها و سایر طرف‌ها باید چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی را برای تثبیت اثربخشی خود به‌طور منظم بازبینی و پایش نمایند. مؤسسات اجرایی و مراجع قضایی نیز باید با جامعه مدنی، نمایندگان بهره‌برداران و جامعه وسیع‌تر در بهبود خدمات وارد شوند و به واسطه فرآیندها و تصمیم‌گیری شفاف در ممانعت از فساد بکوشند. اطلاعات در خصوص تغییرات و تأثیرهای مورد انتظار از آن‌ها باید به روشنی بیان شده و به صورت وسیع به زبان‌های قابل استفاده منتشر شوند.

۹-۵. دولت‌ها باید این موضوع را به رسمیت بشناسند که سیاست‌ها و قوانین مربوط به تصدی‌گری در زمینه‌های وسیع‌تر سیاسی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و زیست‌محیطی عمل می‌کنند. در جایی که زمینه‌های وسیع‌تر تغییر می‌یابند و در جایی که اصلاحات در تصدی‌گری لازم است دولت‌ها باید در جستجوی توسعه آگاهی ملی برای اصلاحات مورد نظر باشند.

۶. توزیع خدمات^۱

۱-۶. تا جایی که منابع اجازه می‌دهند دولت‌ها باید اطمینان یابند که مؤسسات اجرایی و مراجع قضایی برای اجرای سیاست‌ها و قوانین به یک روش به موقع، مؤثر و از نقطه نظر جنسیتی حساس مجهزند و دارای ظرفیت‌های انسانی، فیزیکی، مالی و سایر موارد مورد لزوم‌اند. کارکنان در تمام سطوح سازمانی باید آموزش‌های مداومی دریافت نموده و با توجه کامل نسبت به اصل مساوات اجتماعی جنسیتی استخدام شوند.

۱. رهنمودهای این قسمت به شکل خاص با مباحث ثبت حقوق تصدی‌گری و حل اختلافات مربوط به حقوق تصدی در فصل پنجم اثر حاضر مرتبط است.

۲-۶. دولت‌ها باید اطمینان یابند که توزیع خدمات در ارتباط با تصدی‌گری و اداره آن با الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل و همچنین تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگار است.

۳-۶. دولت‌ها باید خدمات سریع، قابل دسترس و غیر تبعیض‌آمیز را برای حفظ حقوق تصدی، گسترش و تسهیل در برخورداری از این حقوق و حل اختلافات فراهم سازند. دولت‌ها باید الزامات حقوقی و رویه‌ای غیرضروری را حذف کنند و بکوشند که بر موانع مربوط به حقوق تصدی‌گری فایق آیند. دولت‌ها باید خدمات مؤسسات اجرایی و مراجع قضایی را بازبینی کنند و در مواقع لزوم پیشرفت‌ها را شناسایی نمایند.

۴-۶. دولت‌ها باید اطمینان یابند که مؤسسات اجرایی و مراجع قضایی به تمام جمعیت (افراد) خدمت می‌کنند و خدمات را در میان همگان شامل آنان که در مکان‌های دور افتاده به سر می‌برند توزیع می‌کنند. خدمات باید به سرعت مهیا و به شکل مؤثر از فناوری مناسب محلی برای افزایش کارایی و دسترسی استفاده نماید. رهنمودهای داخلی باید آن‌چنان باشند که کارکنان بتوانند به روشی قابل اتکا و سازگار سیاست‌ها و قوانین را اجرا کنند. رویه‌ها باید بدون مورد تهدید قرار دادن امنیت تصدی و یا کیفیت عدالت ساده شوند. مطالب تشریحی نیز باید به‌طور وسیع به زبان‌های قابل استفاده منتشر شوند و استفاده‌کنندگان را از حقوق و مسئولیت‌هایشان آگاه سازند.

۵-۶. دولت‌ها باید سیاست‌ها و قوانینی را برای گسترش توزیع مناسب اطلاعات مربوط به حقوق تصدی‌گری برای استفاده دولت و سایر مؤسسات اجرایی، مردمان بومی و اجتماعات محلی، جامعه مدنی،

بخش خصوصی، دانشگاهیان و به‌طور کلی همگان پدید آورند. برای کاربرد عمومی اطلاعاتی که ضوابط منطقه‌ای و بین‌المللی را در نظر گیرد باید ضوابط ملی توسعه یابد.

۶-۶. دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید اقدامات حمایتی تکمیلی را برای گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده‌ای که به هیچ شکل دیگری نمی‌توانند به خدمات اداری و قضایی دسترسی یابند در نظر گیرند. این اقدامات باید شامل حمایت حقوقی نظیر کمک حقوقی قابل حصول و یا ارائه خدمات مشاوره حقوقی^۱ و یا فرایمایشی^۲ و خدمات سیار برای اجتماعات دور افتاده و گروه‌های انسانی متحرک باشد.

۷-۶. دولت‌ها باید مؤسسات اجرایی و مراجع قضایی را برای رشد دادن یک فرهنگ مبتنی بر خدمت و رفتار اخلاقی ترغیب نمایند. مؤسسات و مراجع قضایی باید در پی بازخورد منظمی به‌عنوان نمونه از طریق پژوهش‌های پیمایشی^۳ و گروه‌های مباحثه متمرکز^۴ باشند تا ضوابط ارتقا و توزیع خدمات بهبود یابد؛ به انتظارات پاسخ داده شود و نیازهای جدید تأمین گردد. دولت‌ها باید به صورت منظم ضوابط عملکرد را منتشر ساخته و نتایج را گزارش نمایند. کاربران نیز باید ابزارهای بیان شکایت را هم در درون مؤسسات اجرایی (نظیر بازنگری‌های اداری) و هم در خارج از آن‌ها (نظیر بازبینی‌های مستقل و یا به واسطه یک بازرس) داشته باشند.

1. Paralegal

۲. معادل Parasurveyors به معنای پژوهش عمقی‌تر - مترجم.

3. Surveys

۴. معادل Focus Groups به معنای گروه‌هایی از افراد ذی‌نفع و ذی‌ربط که در موضوعی خاص به قصد ارائه تحلیل، اطلاعات و یا نتیجه‌گیری به بحث و تبادل نظر می‌پردازند - مترجم.

۸-۶. تشکل‌های خدماتی مرتبط با امر تصدی‌گری باید اجرای رفتار اخلاقی سطح بالا را توسعه و تعمیم بخشیده و پایش کنند. طرف‌های بخش خصوصی و عمومی باید به ضوابط کاربری اخلاقی ملحق شوند و در خصوص نقض موارد تحت اقدامات انضباطی قرار گیرند. در جایی که چنین تشکل‌هایی وجود ندارند دولت‌ها باید اطمینان یابند که محیط برای ایجاد آن‌ها مساعد است.

۹-۶. دولت‌ها و کنش‌گران غیر حکومتی باید از فساد در ارتباط با حقوق تصدی‌گری ممانعت به عمل آورند. دولت‌ها باید به‌طور خاص از طریق ارائه مشاوره و نیز مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگویی به این امر مبادرت کنند. دولت‌ها باید اقدامات ضد فساد را اتخاذ و اجرا نمایند. این اقدامات شامل واریسی‌ها و ترازنامه‌ها، محدودیت برای کاربرد خودسرانه قدرت، تشخیص تضاد منافع و اتخاذ فرامین و قواعد روشن می‌گردد. دولت‌ها در صورت لزوم باید در خصوص تصمیم‌های مؤسسات اجرایی، بازبینی‌هایی اداری یا حقوقی به عمل آورند. کارمندی که در ارتباط با مسائل اداری تصدی‌گری فعالیت می‌کنند باید به خاطر اقداماتشان جوابگو باشند. آن‌ها باید به ابزارهایی برای اجرای وظایف خود مجهز شوند. آن‌ها باید در برابر دخالت دیگران در وظایفشان و اقدامات تلافی‌جویانه احتمالی در واکنش به گزارش مفاسد حمایت شوند.

۲-۷. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌های راجع به رسمیت قانونی و پذیرش حقوق و وظایف تصدی‌گری با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و همچنین تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و ملی سازگارند.

۳-۷. در جایی که دولت‌ها قصد دارند حقوق تصدی را به رسمیت شناخته و بپذیرند باید ابتدا تمام حقوق موجود تصدی‌گری و دارندگان حقوق را شناسایی کنند؛ خواه در جایی ثبت شده باشند یا نشده باشند. مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های مرسوم تصدی‌گری، مالکان کوچک و تمام کسانی که می‌توانند در این خصوص تأثیرپذیرند باید آن‌چنان که در بخش‌های بعدی خواهد آمد در یک فرآیند مشورتی قرار داده شوند. بر اساس آنچه که پیش از این ذکر شد اگر مردم معتقدند که حق تصدی‌گری ایشان به رسمیت شناخته نشده، باید دولت‌ها به فراهم نمودن امکانات قانونی بدین منظور اقدام کنند.

۴-۷. دولت‌ها باید اطمینان یابند که زنان و مردان در حقوق تصدی‌گری که به تازگی به رسمیت شناخته شده از حقوق یکسانی برخوردارند و این حقوق در سوابق ثبت شده منعکس می‌گردد. باید تا حد امکان به رسمیت شناختن قانونی و پذیرش حقوق تصدی‌گری افراد، خانواده‌ها و اجتماعات محلی به شکل نظام یافته، در حال پیشروی از حوزه‌ای به حوزه دیگر منطبق با اولویت‌های ملی و به منظور برخوردار نمودن فقرا و افراد آسیب‌پذیر از فرصت‌های کامل شناسایی قانونی حقوق تصدی‌گری تحقق یابد. باید به‌طور ویژه برای فقرا و افراد آسیب‌پذیر حمایت‌های قانونی برقرار گردد. باید رهیافت‌های محلی مناسب برای افزایش شفافیت در زمانی که ثبت سوابق تصدی‌گری به

گفتار سوم

به رسمیت شناختن قانونی و پذیرش حقوق و وظایف تصدی‌گری

این گفتار حکمرانی بر تصدی‌گری زمین، صیدگاه و جنگل را در ارتباط با به رسمیت شناختن قانونی حقوق تصدی مردمان بومی و اجتماعات محلی در مورد نظام‌های تصدی سنتی و نیز حقوق مربوط به تصدی‌گری غیر رسمی و پذیرش اولیه حقوق تصدی‌گری زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌هایی که در مالکیت یا کنترل بخش عمومی‌اند بیان می‌دارد.

۷. حفاظت

۱-۷. وقتی دولت‌ها حقوق تصدی بر زمین، صیدگاه و جنگل را به رسمیت شناخته و می‌پذیرند باید حفاظت‌های لازم را برای اجتناب از تعدی‌ها و از میان بردن حقوق تصدی اشخاص فراهم آورند که دربرگیرنده حقوق تصدی مشروعی که در شرایط جاری توسط قانون محافظت نشده نیز می‌گردد. محافظت‌ها باید به صورت خاص حقوق تصدی تبعی^۱ نظیر حق جمع‌آوری را نیز شامل شود.

1. Subsidiary Tenure Rights

شکل ابتدایی ایجاد شده به کار روند. تهیه نقشه نیز جزئی از این سوابق است.

۵-۷. دولت‌ها باید اطمینان یابند مردمی که حقوق تصدی آنان به رسمیت شناخته شده و یا آنان که حقوق تصدی ایشان به تازگی پذیرفته شده نسبت به حقوق و همچنین وظایف خود دارای آگاهی کامل‌اند. دولت‌ها بر حسب ضرورت باید از چنین کسانی در حدی که بتوانند از حقوق تصدی خود برخوردار شوند و وظایف خویش را به جا آورند حمایت کنند.

۶-۷. در جایی که به رسمیت شناختن قانونی حقوق تصدی امکان‌پذیر نیست دولت‌ها باید از تخلیه اجباری ناسازگار با الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل و اصول این رهنمودها ممانعت به عمل آورند.

۸. زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های عمومی

۱-۸. در جایی که دولت‌ها بر زمین، صیدگاه و جنگل مالکیت و تسلط دارند باید کاربرد و کنترل این منابع را در پرتوی مقاصد گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تعیین نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها با الزامات موجود آن‌ها در حقوق ملی و بین‌المللی و همچنین تعهدات داوطلبانه آن‌ها نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند.

۲-۸. در جایی که دولت‌ها بر زمین، صیدگاه و جنگل مالکیت و تسلط دارند حقوق تصدی‌گری مشروع افراد و اجتماعات که در حالت عملی شامل افراد دارای نظام‌های تصدی سنتی می‌گردد باید در سازگاری با الزامات حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه به

ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی به رسمیت شناخته شود؛ به آن احترام و ارج نهاده شود و حفاظت گردد. برای نیل به چنین هدفی طبقه‌بندی انواع حقوق تصدی‌گری باید به روشنی توسط فرآیندهای شفاف و مطابق با قوانین ملی تعریف گردیده و تعمیم یابند.

۳-۸. با توجه به آن که زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های در مالکیت عمومی در حالت عادی به صورت جمعی استفاده شده و مدیریت می‌گردند (در بعضی جوامع ملی این موضوع به کمون‌ها باز می‌گردد) دولت‌ها باید در صورت امکان، چنین مالکیت عمومی و نظام‌های مرتبط با استفاده و مدیریت جمعی آن را به رسمیت شناخته و محافظت نمایند. این موضوع شامل فرآیندهای پذیرش توسط دولت نیز می‌گردد.

۴-۸. دولت‌ها باید بکوشند تا اطلاعات به هنگام تصدی‌گری در خصوص زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های تحت مالکیت و کنترل را به واسطه ایجاد و نگهداری فهرست موجودی‌های در دسترس فراهم نمایند. این فهرست‌ها باید شامل مؤسسات مسئول اداره و نیز هر یک از حقوق تصدی مشروع مردمان بومی، اجتماعات محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی و بخش خصوصی باشند. دولت‌ها باید تا حد امکان اطمینان یابند که حقوق تصدی عمومی شامل حقوق تصدی‌گری مردمان بومی و جوامع محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی و بخش خصوصی در یک نظام سوابق مجزا و یا به واسطه یک چارچوب مشترک متصل به نظام‌های دیگر، ثبت خواهند شد.

۵-۸. دولت‌ها باید مشخص سازند کدام بخش از زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌هایی که در مالکیت یا تسلط آن‌هاست همچنان در کنترل آن‌ها خواهد ماند و توسط بخش عمومی استفاده خواهند شد و

کدام بخش‌ها برای استفاده توسط دیگران و تحت چه شرایطی پذیرفته خواهند شد.

۶-۸. دولت‌ها باید سیاست‌هایی را توسعه و تعمیم دهند که استفاده و تسلط بر زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های در اختیار بخش عمومی را پوشش دهند و بکشند که سیاست‌های مروج توزیع مساوی منافع را از زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های تحت مالکیت عمومی توسعه دهند. سیاست‌ها باید حقوق تصدی دیگران را در نظر گیرند، و هر کس که می‌تواند تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گیرد باید در انطباق با دو اصل مشاوره و مشارکت ذکر شده در این رهنمودها، در فرآیند مشورتی قرار داده شود. امر اداره و نیز معاملات در خصوص این منابع باید به روشی مؤثر، شفاف و پاسخگو برای اجرای سیاست‌های عمومی عملی گردد.

۷-۸. دولت‌ها باید سیاست‌های دربرگیرنده پذیرش حقوق تصدی‌گری برای دیگران و در صورت امکان تفویض مسئولیت‌ها برای حکمرانی بر تصدی‌گری را توسعه دهند. سیاست‌های پذیرش حقوق تصدی‌گری باید با مقاصد وسیع‌تر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی سازگار باشند. اجتماعات محلی که همواره به‌طور سنتی زمین، صیدگاه و جنگل را مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند باید در فرآیند بازپذیرش حقوق تصدی‌گری مورد توجه قرار گیرند. سیاست‌ها باید حقوق تصدی‌گری دیگران را در نظر گرفته و هر کسی که می‌تواند از این سیاست‌ها تأثیر پذیرد باید در فرآیند مشاوره، مشارکت و تصمیم‌گیری گنجانده شود. این سیاست‌ها باید اطمینان دهند که پذیرش حقوق تصدی‌گری معیشت‌های مردم را به واسطه محروم کردن آنان از دسترسی مشروع به این منابع تهدید نمی‌کند.

۸-۸. دولت‌ها به شکل‌های متعدد از استفاده محدود گرفته تا مالکیت کامل، دارای قدرت پذیرش حقوق تصدی‌گری‌اند. سیاست‌ها باید دامنه حقوق تصدی‌گری و دارندگان حقوق را به رسمیت بشناسند. سیاست‌ها باید ابزارهای پذیرش حقوق را نظیر پذیرش بر مبنای استفاده تاریخی و سایر علل و ابزارها مشخص سازند. در صورت نیاز آنان که حقوق تصدی‌گری ایشان پذیرفته شده باید برای برخورداری از حقوق تصدی‌گری خود حمایت‌های لازم را دریافت نمایند. دولت‌ها باید مشخص سازند که آیا بر زمین‌ها، صیدگاه‌ها و جنگل‌هایی که تصدی‌گری آن‌ها معلوم گردیده کنترلی را اعمال خواهند نمود یا خیر.

۹-۸. دولت‌ها باید به روش‌هایی شفاف و مشارکتی و با کاربرد رویه‌های ساده‌ای که برای همگان روشن، در دسترس و قابل فهم باشد حقوق تصدی را پذیرفته و حکمرانی بر تصدی‌گری را نیز تفویض نمایند؛ به ویژه برای مردمان بومی و جوامع محلی که دارای نظام‌های تصدی‌گری سنتی‌اند. باید اطلاعات به زبان‌های قابل استفاده، برای تمامی مشارکت‌کنندگان بالقوه تهیه گردد که شامل پیام‌های حساس به مبحث جنسیت نیز می‌گردد. در صورت امکان دولت‌ها باید اطمینان یابند که سوابق نظام‌های تصدی‌گری که به تازگی پذیرفته شده‌اند و سایر حقوق تصدی‌گری در سامانه مجزایی نگهداری می‌شوند و یا به واسطه یک چارچوب مشترک به یکدیگر متصل‌اند. کنش‌گران حکومتی و غیر حکومتی باید برای پیشگیری از فساد در حقوق تصدی‌گری بیش‌تر بکوشند.

۱۰-۸. تا جایی که منابع اجازه می‌دهند دولت‌ها باید اطمینان یابند که افراد شایسته مسئولیت در امر زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها دارای گونه‌های مختلف ظرفیت‌های انسانی، فیزیکی، مالی و سایر موارد

از این گونه‌اند. در صورت تفویض مسئولیت‌های مربوط به حکمرانی بر تصدی‌گری، دریافت‌کنندگان این اختیارات باید آموزش‌های لازم و دیگر حمایت‌ها را برای اجرای مسئولیت‌های مزبور به دست آورند.

۱۱-۸. دولت‌ها باید پیامدهای برنامه‌های پذیرش حقوق تصدی‌گری را که شامل آثار جنسیتی متفاوت در زمینه امنیت غذایی، ریشه‌کنی فقر و همچنین آثار آن‌ها بر اهداف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌گردد پیش‌کنند و در صورت لزوم اقدامات اصلاحی را معرفی نمایند.

۹. مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی

۱-۹. دولت‌ها و کنش‌گران غیرحکومتی باید توجه نمایند که زمین، صیدگاه و جنگل برای مردمان بومی و اجتماعات محلی دارای نظام‌های تصدی‌گری سنتی دارای ارزش اجتماعی، فرهنگی، معنوی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی است.

۲-۹. مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی که خودحکمرانی بر زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را عملی می‌نمایند باید حقوق مساوی، ایمن و پایدار را با توجه ویژه به ایجاد دسترسی برابر برای زنان گسترش داده و مهیا سازند. مشارکت مؤثر تمام اعضای مرد، زن و جوان در تصمیم‌های مربوط به نظام‌های تصدی‌گری ایشان به واسطه نهادهای محلی و سنتی که شامل نظام‌های تصدی‌جمعی می‌گردد باید گسترش یابد. اجتماعات محلی در صورت ضرورت باید برای افزایش ظرفیت اعضا برای مشارکت کامل در تصمیم‌گیری‌ها و حکمرانی نظام‌های تصدی‌گری یاری داده شوند.

۳-۹. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها با الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل و با در نظر گرفتن تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگار است. دولت‌ها در مورد مردمان بومی باید به الزامات و تعهدات داوطلبانه مربوطه برای حفاظت، گسترش و اجرای حقوق بشر پاسخ گویند. این الزامات و تعهدات به شکل مقتضی شامل موافقتنامه سازمان بین‌المللی کار (شماره ۱۶۹) در خصوص مردمان بومی و قبیله‌ای در کشورهای مستقل، موافقتنامه تنوع زیستی و اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی می‌گردد.

۴-۹. دولت‌ها باید شناسایی مناسب و محافظت از حقوق تصدی‌گری مشروع مردمان بومی و اجتماعات محلی را با نظام‌های تصدی‌گری سنتی در سازگاری با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی در نظر گیرند. با چنین رسمیت بخشیدنی باید زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌هایی که توسط یک اجتماع محلی یا شرکایی چند به صورت انحصاری بهره‌برداری می‌شوند مورد توجه قرار گرفته و برای اصول حکمرانی مسئولیت‌پذیر احترام قایل شود. باید اطلاعات مربوط به چنین منابعی در مکان‌های قابل دسترس و به شکلی مناسب که قابل فهم و به زبان‌های قابل استفاده باشند منتشر شود.

۵-۹. در جایی که مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی نسبت به زمین‌های آباء و اجدادی که بر روی آن‌ها زندگی می‌کنند دارای حقوق تصدی‌مشروعی می‌باشند دولت‌ها نیز باید این حقوق را به رسمیت شناخته و محافظت نمایند. مردمان بومی و اجتماعات محلی با نظام‌های تصدی‌گری سنتی نباید به زور از چنین اراضی اخراج شوند.

۶-۹. دولت‌ها باید چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حقوقی و سازمانی خود را با نظام‌های تصدی سنتی به رسمیت شناخته شده مردمان بومی و اجتماعات محلی که دارای نظام‌های تصدی سنتی بوده‌اند تطبیق دهند. در صورتی که اصلاحات قانونی و حقوقی، حقوق زنان را تقویت کند و آنان را در تعارض با سنت‌ها قرار دهد تمام طرف‌ها نیز باید برای تثبیت این تغییرات در نظام‌های مرسوم تصدی‌گری همکاری کنند.

۷-۹. دولت‌ها در تعریف سیاست‌ها و قوانین تصدی‌گری باید ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، معنوی، اقتصادی و زیست‌محیطی زمین، صیدگاه و جنگل را در نظام‌های تصدی‌گری مردمان بومی و اجتماعات محلی دارای نظام‌های تصدی‌گری سنتی در نظر گیرند.

۸-۹. دولت‌ها باید از مردمان بومی و اجتماعات محلی دارای نظام‌های تصدی سنتی در برابر استفاده غیرمجاز دیگران از منابع ایشان محافظت نمایند. در جایی که یک اجتماع محلی به چنین اعمالی اعتراض نمی‌کند دولت‌ها باید در مستند نمودن موضوع به شکل رسمی و انتشار اطلاعات در مورد ویژگی و موقعیت زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌های مورد استفاده و کنترل اجتماع محلی، مساعدت نمایند. زمانی که حقوق تصدی مردمان بومی و اجتماعات محلی دارنده نظام‌های تصدی سنتی به صورت رسمی مستند شد حقوق مذکور باید به همراه سایر حقوق تصدی‌گری عمومی، خصوصی و جمعی برای پیشگیری از ادعاهای رقیب ثبت شوند.

۹-۹. دولت‌ها و سایر طرف‌ها قبل از شروع هر پروژه و قبل از اتخاذ یا اجرای اقدامات قانونی و اداری مؤثر بر منابع اجتماعات محلی باید با این اجتماعات با حسن نیت کامل به مشورت بپردازند. این

پروژه‌ها باید بر اساس مشورت مؤثر و معنی‌دار با مردمان بومی از طریق نهادهایی که نمایندگی آنان را برای کسب رضایت آزاد، قبلی و آگاهانه بر طبق اعلامیه ملل متحد در مورد مردمان بومی بر عهده دارند اجرا شوند و باید توجه خاصی بر مواضع ویژه و تفاهمات هر حکومت مبذول گردد. فرآیندهای مشورت و تصمیم‌گیری باید بدون تهدید سازماندهی گردد و در فضای اعتماد انجام پذیرد. دو اصل مشورت و مشارکت آن‌چنان که در بند ۶ بخش (ب) گفتار دوم آمده است باید در مورد اجتماعات محلی مورد اشاره در این بخش به کار رود.

۹-۱۰. دولت‌ها و کنش‌گران غیرحکومتی در جایی که ضرورت دارد باید با یکدیگر و با نمایندگان نهادهای اجتماعات محلی و در همکاری با این اجتماعات بکوشند تا کمک‌های فنی و حقوقی را به منظور مشارکت اجتماعات مذکور در جهت توسعه سیاست‌ها، قوانین و پروژه‌های تصدی‌گری به روش‌هایی غیر تبعیض‌آمیز و حساس به مبحث جنسیت فراهم نمایند.

۹-۱۱. دولت‌ها باید به رهیافت‌های مرسوم که توسط مردمان بومی و سایر اجتماعات محلی به واسطه نظام‌های تصدی‌گری سنتی برای حل تضادهای درونی این اجتماعات به کار برده می‌شود ارج گذارده و آن‌ها را ترویج دهند؛ مشروط بر آن‌که این اقدامات در سازگاری با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌المللی و نیز با توجه به تعهدات داوطلبانه و ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی باشند. باید ابزارهای حل تضادهای بین دو یا چند اجتماع که به صورت مشترک از این منابع بهره‌برداری می‌کنند نیز تقویت شده و توسعه یابند.

۹-۱۲. کنش‌گران حکومتی و غیرحکومتی باید بکوشند با مشورت و مشارکت و نیز توانمندسازی اجتماعات محلی از فساد در نظام‌های

تصدی‌گری مردمان بومی و دیگر اجتماعات دارای نظام‌های تصدی‌گری سنتی ممانعت به عمل آورند.

۱۰. تصدی‌گری‌های غیر رسمی

۱۰-۱. در جایی که تصدی‌گری غیررسمی برای زمین، صیدگاه و جنگل وجود دارد دولت‌ها باید با توجه به قوانین ملی همان گونه که واقعیت‌های موجود را به رسمیت می‌شناسند و زندگی بهینه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را ترویج می‌دهند به شناسایی چنین روش‌هایی مبادرت نمایند. فرآیندهای تدوین چنین سیاست‌ها و قوانینی باید مشارکتی و حساس به مسائل جنسیتی بوده و بکوشند که امکان حمایت فنی و قانونی را از اجتماعات و افراد فراهم آورند. دولت‌ها باید به‌طور خاص پیدایش تصدی‌گری‌های غیر رسمی را که از مهاجرت‌های در مقیاس وسیع ناشی می‌شوند به رسمیت بشناسند.

۱۰-۲. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌های مربوط به تصدی‌گری غیر رسمی که در صورت اقتضا شامل حق سکنا و کافی نیز می‌گردد با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند.

۱۰-۳. در آن هنگام که دولت‌ها موجبات به رسمیت شناختن قانونی تصدی‌گری غیر رسمی را فراهم می‌سازند این امر باید به واسطه فرآیندهای مشارکتی و حساس به مبحث جنسیت انجام گردد و به مستأجران توجه خاصی مبذول دارد. برای انجام چنین امری دولت‌ها باید به کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک مقیاس توجه ویژه‌ای مبذول دارند. این فرآیندها باید دستیابی به خدمات

قانونی‌سازی^۱ و هزینه‌های پایین را تسهیل نماید. دولت‌ها باید تلاش کنند تا حمایت فنی و قانونی را برای اجتماعات محلی و مشارکت‌کنندگان فراهم سازند.

۱۰-۴. دولت‌ها باید تمام اقدامات مقتضی را برای محدود کردن تصدی‌گری غیر رسمی منتج از الزامات بسیار پیچیده قانونی و اداری تغییر کاربری زمین و توسعه اراضی به عمل آورند. ملزومات و فرآیندهای توسعه باید واضح و ساده شده و توان کاهش بار اجرایی را داشته باشند.

۱۰-۵. دولت‌ها باید به‌طور خاص از طریق افزایش شفافیت، جوابگو ساختن تصمیم‌گیرندگان و اطمینان بخشیدن از این‌که تصمیم‌های بی‌طرفانه به فوریت انتشار می‌یابند از بروز فساد ممانعت به عمل آورند.

۱۰-۶. در جایی که به رسمیت شناختن قانونی تصدی‌گری غیر رسمی امکان‌پذیر نیست دولت‌ها باید از تخلیه اجباری در تناقض با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و مباحث مرتبط با خلع ید^۲ غیر قانونی (رجوع شود به بخش انتهایی گفتار چهارم) ممانعت به عمل آورند.

1. Legalization Services

2. Expropriation

۱۱. بازارها

۱۱-۱. در صورت مناسب بودن شرایط دولت‌ها باید بازارهای خرید و اجاره منصفانه و شفاف را به‌عنوان ابزارهای انتقال حقوق بهره‌برداری و مالکیت زمین، صیدگاه و جنگل به رسمیت شناخته و تسهیل نمایند. در جایی که بازارهای مربوط به انتقال حقوق تصدی‌گری فعالیت دارند دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها با الزامات موجود آن‌ها در حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند. مبادلات مربوط به حقوق تصدی‌گری باید در موافقت با مقررات ملی کاربری زمین بوده و اهداف اصلی توسعه را به مخاطره نیفکنند.

۱۱-۲. دولت‌ها باید فعالیت بازارهای کارآمد و شفاف را تسهیل بخشند تا مشارکتی با شرایط برابر و فرصت‌هایی برای انتقال حقوق تصدی‌گری با منافع متقابل فراهم شود که تضاد و بی‌ثباتی را کاهش و بهره‌برداری پایدار از زمین، صیدگاه و جنگل و حفاظت از محیط‌زیست را گسترش دهند. این اقدامات دولت‌ها باید توأم با ترویج بهره‌برداری مساوات‌گرایانه منابع ژنتیک همراه با زمین، صیدگاه و جنگل مطابق با پیمان‌های قابل اجرا بوده، فرصت‌های اقتصادی را گسترش داده و مشارکت فقرا را افزایش دهد. دولت‌ها باید اقداماتی را برای پیشگیری از آثار نامطلوب فعالیت‌هایی نظیر زمین‌خواری^۱ تمرکز زمین و سوء استفاده از تصدی‌گری‌های مرسوم بر اجتماعات محلی، مردمان بومی و گروه‌های آسیب‌پذیر به عمل آورند. دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید متوجه باشند که همیشه ارزش‌های موجود اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی در

1. Land Speculation

گفتار چهارم

نقل و انتقال‌ها و سایر تغییرات در حقوق و وظایف تصدی‌گری

این گفتار کیفیت حکمرانی بر زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را برای شرایطی بیان می‌کند که در خلال آن حقوق موجود و وظایف همراه با آن از طریق روش‌های داوطلبانه یا غیر داوطلبانه زیر از شخصی به شخص دیگر منتقل یا مجدداً مورد پذیرش و شناسایی قرار می‌گیرند.

- توسط بازارها
- معاملات بر سر حقوق تصدی‌گری در نتیجه سرمایه‌گذاری بر روی منابع
- یکپارچه‌سازی زمین^۱ و سایر رهیافت‌های اصلاح‌گرانه
- اعاده یا بازگشت دادن تصدی منابع
- اصلاحات در توزیع مجدد یا خلع ید

1. Land Consolidation

بازارهای تنظیم نشده به خوبی عمل نمی‌کنند. دولت‌ها باید منافع وسیع‌تر جوامع را به واسطه سیاست‌ها و قوانین مناسب تصدی‌گری حفظ نمایند.

۳-۱۱. دولت‌ها باید سیاست‌ها، قوانین، نظام‌ها و مؤسساتی نظارتی برای اطمینان بخشیدن از عملیات شفاف و کارآمد بازارها، دسترسی غیر تبعیض‌آمیز و ممانعت از اقدامات غیر رقابتی ایجاد کنند. دولت‌ها باید برای اجتناب از بی‌انگیزگی فقرا و اکثریت آسیب‌پذیر در مشارکت در بازارها رویه‌های اداری را ساده سازند.

۴-۱۱. دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید اطمینان یابند که به شرط رعایت محدودیت‌های حریم شخصی، اطلاعات مبادلات بازار و ارزش آن شفاف بوده و به‌طور وسیع منتشر می‌گردد. دولت‌ها باید اطلاعات مزبور را پایش کنند و در صورتی که بازارها تأثیر مخربی داشته و یا مشارکت گسترده و مساوات‌گرایانه را بی‌انگیزه سازد عکس‌العمل نشان دهند.

۵-۱۱. دولت‌ها باید سامانه‌های مناسب و قابل اتکای سوابق نظیر سامانه‌های ثبت زمین^۱ را ایجاد کنند که اطلاعات قابل دسترسی را در مورد حقوق و وظایف تصدی‌گری به منظور افزایش امنیت تصدی و کاهش هزینه‌ها و مخاطره‌های معاملات فراهم سازند.

۶-۱۱. دولت‌ها باید برای حفظ حقوق تصدی‌گری مشروع همسران، اعضای خانواده و دیگر کسانی که به‌عنوان دارندگان حقوق تصدی در سامانه‌های اطلاعات زمین نظیر سامانه‌های ثبت زمین به حساب نمی‌آیند محافظت‌های لازم را ایجاد نمایند.

۷-۱۱. دولت‌ها و کنش‌گران غیر حکومتی باید از ضوابط اخلاقی قابل اجرا تبعیت کنند. آن‌ها باید اجرای این ضوابط را در خلال

فعالیت‌های بازارها به ویژه به واسطه افشای عمومی مسایل برای ممانعت از فساد منتشر ساخته و پایش کنند.

۸-۱۱. با توجه به اهمیت تولیدکنندگان کوچک مقیاس برای امنیت غذایی ملی و ثبات اجتماعی دولت‌ها باید اطمینان یابند در صورتی که عملیات بازار معاملات تصدی‌گری تسهیل شود حکومت‌ها حقوق تصدی‌گری تولیدکنندگان کوچک مقیاس را محافظت خواهند نمود.

۱۲. سرمایه‌گذاری‌ها

۱-۱۲. دولت‌ها و کنش‌گران غیر حکومتی باید توجه نمایند که سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی مسئولانه برای بهبود امنیت غذایی ضروری است. حکمرانی مسئولیت‌پذیر بر تصدی‌گری زمین، صیدگاه و جنگل‌ها، دارندگان حقوق تصدی را برای سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه در این منابع، افزایش تولید پایدار کشاورزی و تولید درآمدهای بیش‌تر تشویق می‌کند. دولت‌ها باید سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه را در زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها به منظور پشتیبانی از مقاصد گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در عین تنوع در نظام‌های بهره‌برداری ترویج و حمایت نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها در این زمینه با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند.

۲-۱۲. با توجه به آن‌که تولیدکنندگان کوچک مقیاس و سازمان‌های آنان در کشورهای در حال توسعه در سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی برای امنیت غذایی، تغذیه، ریشه‌کنی فقر و اصلاح زیست محیطی

سهم عمده‌ای ایفا می‌کنند دولت‌ها باید از سرمایه‌گذاری مذکور و سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی حساس به تولیدکنندگان کوچک حمایت کنند.

۳-۱۲. تمام گونه‌های معاملات در حقوق تصدی‌گری که از سرمایه‌گذاری‌های در زمین، صیدگاه و جنگل‌ها ناشی می‌شود باید به صورت شفاف در هماهنگی با سیاست‌های بخشی ملی مربوطه بوده و با مقاصد اجتماعی، رشد اقتصادی و توسعه انسانی پایدار و متمرکز بر زمین داران کوچک^۱ سازگار باشند.

۴-۱۲. سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه نباید دارای نقص باشند؛ باید از حق تصدی مشروع زمین‌داران کوچک در برابر سلب مالکیت از آنان و خسارت به محیط‌زیست محافظت نموده و برای حقوق بشر احترام قایل شوند. این سرمایه‌گذاری‌ها باید در همکاری با سطوح مربوطه در دولت و دارندگان حقوق تصدی‌گری محلی مؤثر واقع گردد و حقوق مشروع آنان محترم شمرده شود. سرمایه‌گذارها باید تلاش کنند تا در مقاصد سیاست‌گذاری مشارکت بیش‌تری کنند. این مقاصد می‌تواند شامل مواردی نظیر ریشه کنی فقر، امنیت غذایی و بهره‌برداری پایدار از زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها، حمایت از اجتماعات محلی، مشارکت در توسعه روستایی، گسترش و تأمین نظام‌های محلی تولید غذا، ارتقای توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی، ایجاد اشتغال، تنوع بخشی به معیشت‌ها، تولید منفعت برای کشور و مردم اعم از فقیر و آسیب دیده باشد که باید با قوانین ملی و ضوابط اصلی بین‌المللی کارگری و در صورت قابلیت اجرا الزامات مربوط به ضوابط سازمان بین‌المللی کار^۲ موافق باشد.

1. Smallholders

2. International Labour Organization (ILO)

۵-۱۲. دولت‌ها باید با مشورت و مشارکت مناسب قواعدی شفاف در مورد مقیاس، محتوا و ماهیت معاملات مجاز در خصوص حقوق تصدی‌گری ایجاد نمایند و مقررات معاملات بزرگ مقیاس را در متن زمینه‌های ملی تعریف کنند.

۶-۱۲. دولت‌ها باید تمهیدات لازم برای حفظ مواردی همچون حقوق تصدی‌گری مشروع، حقوق بشر و حفظ معیشت‌ها و امنیت غذایی و زیست محیطی در برابر مخاطرات ناشی از تأثیر معاملات بزرگ مقیاس بر حقوق تصدی‌گری را به عمل آورند. چنین تمهیداتی می‌تواند شامل معمول داشتن سقفی برای معاملات مجاز زمین و تنظیم چگونگی تصویب مبادلات بیش از سقف مصوب (به‌طور مثال توسط مصوبات پارلمان) باشد. دولت‌ها می‌توانند به ترویج دامنه‌ای از الگوهای تولید و سرمایه‌گذاری‌هایی که به انتقال حقوق تصدی‌گری بزرگ مقیاس نیانجامد و شراکت با دارندگان محلی حقوق تصدی‌گری را تشویق نماید توجه کنند.

۷-۱۲. در خصوص مردمان بومی و اجتماعات محلی، دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌المللی و تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر موافقتنامه سازمان بین‌المللی کار (شماره ۱۶۹) در خصوص مردمان بومی و قبایل در کشورهای مستقل و اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی سازگارند. دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید ریزنی‌های با حسن نیتی را قبل از انجام هر پروژه سرمایه‌گذاری مؤثر در منابع مشمول حقوق اجتماعات محلی با مردمان بومی به عمل آورند. این پروژه‌ها آن‌چنان که در پاراگراف ۹-۹ آمده باید بر اساس مشورت مؤثر و معنی‌دار با اعضای جامعه بومی باشند. باید برای سرمایه‌گذاری‌هایی که از منابع سایر اجتماعات بهره‌برداری

می‌کنند دو اصل مشورت و مشارکت مذکور در این رهنمودها به کار روند.

۸-۱۲. در سازگاری با دو اصل مشورت و مشارکت در این مجموعه رهنمودها، دولت‌ها و تمام طرف‌های تحت تأثیر باید گسترش سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه را تعیین کنند و سپس سیاست‌ها و قوانین مشوق سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه، رعایت حقوق بشر و ترویج امنیت غذایی و بهره‌برداری پایدار از محیط‌زیست را توسعه داده و منتشر سازند. قوانین باید به وضوح حقوق و وظایف تمام طرف‌ها را در توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری تعریف نمایند. توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری باید با چارچوب‌های قانونی ملی و آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری منطبق باشند.

۹-۱۲. در سازگاری با دو اصل مشورت و مشارکت در این رهنمودها، دولت‌ها باید تمهیداتی برای دربرگیری سرمایه‌گذاری‌ها مشتمل بر تمام گونه‌های معاملات در حقوق تصدی‌گری (اعم از قراردادهای کسب یا شراکت) و نیز کسانی که حقوق تبعی آنان از این سرمایه‌گذاری‌ها تأثیر می‌پذیرد در نظر گرفته و ایجاد نمایند. دولت‌ها و دیگر طرف‌های مرتبط باید افراد، خانواده‌ها و اجتماعات را از حقوق تصدی‌گری خویش آگاه سازند و به منظور توسعه ظرفیت آنان در خلال مشورت‌ها و مشارکت‌ها کمک نمایند. در صورت ضرورت این کمک‌ها شامل کمک‌های تخصصی نیز می‌گردد.

۱۰-۱۲. در صورتی که سرمایه‌گذاری‌ها، معاملات بزرگ مقیاس در حقوق تصدی‌گری مشتمل بر قراردادهای کسب یا شراکت را در برگیرد دولت‌ها باید بکوشند تمهیدات لازم را برای طرف‌های مختلف به منظور انجام ارزیابی‌های قبلی مستقل در مورد آثار بالقوه مثبت و

منفی سرمایه‌گذاری‌ها بر حقوق تصدی‌گری، امنیت غذایی و تحقق روزافزون حق برخورداری از غذای کافی، معیشت و محیط‌زیست فراهم نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که حقوق تصدی‌گری و ادعاهای مشروع موجود شامل تصدی‌های سنتی و غیر رسمی و نیز حقوق و معیشت‌های دیگر اشخاصی که (همچون تولیدکنندگان کوچک مقیاس) تحت تأثیر این قراردادها قرار می‌گیرند به شکل نظام یافته و بی‌طرفانه مورد شناسایی واقع می‌شوند. این فرآیند باید از طریق مشورت با تمام طرف‌ها در سازگاری با دو اصل مشورت و مشارکت انجام شده و دولت‌ها باید اطمینان دهند حق تصدی‌گری مشروع توسط این سرمایه‌گذاری‌ها به مخاطره نمی‌افتد.

۱۱-۱۲. طرف‌های مقاطعه‌کاری‌ها باید اطلاعات جامعی فراهم آورند که اطمینان دهند تمام اشخاص مرتبط در مذاکرات وارد شده و از آن مطلع‌اند و باید در صدد مستند ساختن قراردادها و فهم آن‌ها توسط تمام طرف‌های تحت تأثیر فعالیت‌ها باشند. فرآیند مذاکرات باید غیر تبعیض‌آمیز و حساس به مباحث جنسیتی باشد. ۱۲-۱۲. به پیروی از قاعده عمومی مربوط به کنش‌گران غیر حکومتی که در این مجموعه رهنمودها نقل شد سرمایه‌گذاران در محترم شمردن قانون و مصوبات جاری، به رسمیت شناختن و احترام به حقوق تصدی‌دیگران و قاعده حقوقی دارای مسئولیت‌اند. سرمایه‌گذاری‌ها نباید در نا امنی غذایی و زوال زیست محیطی نقش داشته باشند.

۱۳-۱۲. حرفه‌ای‌هایی که خدماتی را برای دولت‌ها، سرمایه‌گذاران، دارندگان حقوق تصدی‌گری زمین، صیدگاه و جنگل عرضه می‌کنند باید بر اساس کیفیت توانمندی خویش در هنگام ارائه

خدمات بدون توجه به درخواست‌های ویژه تمام تلاش خویش را مبذول دارند.

۱۲-۱۴. دولت‌ها و طرف‌های تحت تأثیر باید در پایش مؤثر فعالیت اجرایی و آثار قراردادهای معاملات بزرگ مقیاس در حقوق تصدی‌گری مشتمل بر قراردادهای کسب یا شراکت مشارکت نمایند. دولت‌ها در جایی که ضرورت دارد باید به اعمال قراردادهای مبادرت کرده، از حقوق تصدی و دیگر حقوق حفاظت نمایند و سازوکارهایی را ایجاد کنند که به واسطه آن‌ها طرف‌های زیان دیده بتوانند متقاضی چنین نظارت‌هایی شوند.

۱۲-۱۵. وقتی دولت‌ها به سرمایه‌گذاری در خارج مبادرت می‌کنند و یا این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها را ترویج می‌کنند باید اطمینان یابند که فعالیت‌هایشان با حفظ حقوق تصدی مشروع، ترویج امنیت غذایی و الزامات موجود آن‌ها در حقوق ملی و بین‌الملل و توجه به تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگار است.

۱۳. یکپارچه‌سازی زمین و دیگر رهیافت‌های باز اصلاح‌گرانه

۱۳-۱. در صورت مناسب بودن شرایط، دولت‌ها می‌توانند یکپارچگی زمین، مبادلات یا دیگر رهیافت‌های داوطلبانه را برای باز اصلاحی قطعات یا مزارع مورد توجه قرار دهند تا به مالکان یا بهره‌برداران برای بهبود طراحی و کاربری قطعات کمک شود. فعالیت مذکور در برگیرنده ترویج امنیت غذایی و توسعه روستایی به شیوه‌ای پایدار می‌باشد. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها در این زمینه با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال ملی و بین‌المللی سازگارند و

اطمینان یابند که شمار مشارکت‌کنندگان دست‌کم در بعد از خاتمه برنامه‌ها با تعداد آنان در قبل از شروع برنامه‌ها قابل مقایسه است. این رهیافت‌ها باید برای هماهنگ ساختن ترجیحات مالکان و بهره‌برداران متنوع در یک باز اصلاح‌گری مشروع به کار روند.

۱۳-۲. در صورت مناسب بودن شرایط، دولت‌ها باید به تأسیس بانک‌های زمین به‌عنوان بخشی از برنامه‌های یکپارچه‌سازی برای کسب و نگهداری موقتی قطعات زمین تا زمان تخصیص آنان برای بهره‌برداران اقدام کنند.

۱۳-۳. در صورت مناسب بودن شرایط، دولت‌ها می‌توانند به تشویق و تسهیل یکپارچه‌سازی زمین و بانک‌های زمین به منظور حفظ محیط‌زیست و پروژه‌های زیربنایی برای تخصیص زمین‌های شخصی برای چنین پروژه‌های عمومی مبادرت کنند و مالکان، کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک مقیاس غذا را در عوض با زمینی که ادامه و حتی افزایش محصول را برای آنان امکان‌پذیر می‌سازد مجهز نمایند.

۱۳-۴. در جایی که چند پارچه شدن مزارع خانوادگی زمین‌داران کوچک و جنگل‌ها به قطعات فراوان هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد دولت‌ها می‌توانند به یکپارچه‌سازی زمین و بانک‌های زمین توجه نمایند تا ساختار این مزارع و جنگل‌ها بهبود یابد. دولت‌ها در جایی که چند پارچه شدن زمین در مورد کاهش مخاطرات و یا تنوع کشت می‌تواند منفعی در بر داشته باشد باید از یکپارچه‌سازی خودداری کنند. پروژه‌های یکپارچه‌سازی برای ساختاردهی مجدد مزارع باید به برنامه‌های حمایت از کشاورزان نظیر فعالیت‌های بازسازی سامانه‌های آبیاری و جاده‌های محلی متصل باشد. با محدود ساختن تفکیک قطعات یکپارچه باید برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه یکپارچه‌سازی اقداماتی به عمل آید.

۵-۱۳. دولت‌ها باید راهبردهایی را برای باز اصلاح‌گری ایجاد نمایند که با ضرورت‌های محلی ویژه متناسب باشند. چنین راهبردهایی باید از حیث اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار و حساس به مبحث جنسیت باشند. راهبردها باید اصول و مقاصد رهیافت‌های باز اصلاح‌گری را به رسمیت بشناسد. چنین شناسایی شامل بهره‌برداران از کمک‌ها، توسعه ظرفیت و دانش در بخش عمومی، بخش خصوصی، سازمان‌های کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک مقیاس، ماهیگیران، بهره‌برداران جنگل و دانشگاهیان می‌گردد. قوانین باید رویه‌هایی روشن و هزینه کاراً را برای شناسایی قطعات و مزارع و کاربری‌های آن‌ها ایجاد کنند.

۶-۱۳. حکومت‌ها باید پروژه‌هایی که رهیافت‌های باز اصلاح‌گرانه را به کار می‌برند به خوبی محافظت نمایند. با هر فرد، اجتماع یا مردمانی که ممکن است تحت تأثیر پروژه قرار گیرند باید تماس گرفته شود و این پروژه‌ها با اطلاعات کافی و به زبان‌های قابل فهم مجهز شوند. پشتیبانی فنی و حقوقی باید عملی گردد. رهیافت‌های مشارکت و حساس به مبحث جنسیت باید به کار روند و حقوق مردمان بومی را در نظر گیرند. حفاظت‌های زیست محیطی باید برای پیشگیری یا به حداقل رساندن زوال و از میان رفتن تنوع زیستی برقرار شود و تغییرات مثبتی برای تقویت مدیریت خوب زمین بر اساس بهترین اقدامات احیای اراضی ایجاد گردد.

۱۴. اعاده

۱-۱۴. در صورت مناسب بودن شرایط، دولت‌ها بر اساس زمینه ملی خود باید به امر اعاده حقوق تصدی‌گری مشروع زمین، صیدگاه و جنگل‌ها توجه نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام

فعالیت‌ها با الزامات موجود آن‌ها در حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند.

۲-۱۴. قطعات و مزارع اصلی باید به حکم مراجع صاحب صلاحیت ملی به کسانی که از فقدان آن‌ها رنج برده و یا وارثان ایشان بازگردانده شود. در صورتی که قطعات یا زمین‌های اصلی قابل بازگشت نیستند دولت‌ها باید در شکل پول و یا قطعات و اراضی معوض غرامت‌هایی دقیق و فوری فراهم آورند تا راه‌حلی منصفانه برای تمام افراد تحت تأثیر ارائه شود.

۳-۱۴. در صورت مناسب بودن شرایط، نگرانی‌های مردمان بومی در مورد اعاده اراضی باید در متن ضوابط ملی و مطابق قوانین و قواعد ملی مشخص گردد.

۴-۱۴. دولت‌ها باید سیاست‌های حساس به مبحث جنسیت و قوانینی را برای توسعه فرآیندهای واضح و شفاف اعاده حقوق فراهم آورند. باید اطلاعات مربوط به رویه‌های اعاده حقوق به زبان‌های قابل استفاده منتشر گردد. آنان که دارای دعاوی در این زمینه‌اند باید در سراسر این فرآیند به کمک‌های حقوقی و مشاوره‌های حقوقی مجهز شوند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که دعاوی اعاده حقوق به سرعت رسیدگی می‌شوند. در صورت نیاز صاحبان دعاوی موفق باید با خدمات حمایتی که بتوانند از حقوق تصدی‌گری خویش بهره‌مند شوند و وظایف خود را اجرا کنند مجهز شوند. پیشرفت در اجرا باید به‌طور گسترده تسری یابد.

۱۵. اصلاحات باز توزیعی^۱

۱-۱۵. اصلاحات باز توزیعی می‌تواند دسترسی گسترده و منصفانه را به زمین و توسعه روستایی جامع تسهیل نماید. در صورت مناسب بودن شرایط در زمینه‌های ملی، دولت‌ها می‌توانند به تخصیص اراضی عمومی، سازوکارهای داوطلبانه مبتنی بر بازار و نیز سلب مالکیت خصوصی زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها به نفع مقاصد عمومی مبادرت کنند.

۲-۱۵. دولت‌ها می‌توانند برای اجرای اصلاحات باز توزیعی به سقف میزان‌های اراضی به‌عنوان یک گزینه سیاست‌گذاری توجه نمایند.

۳-۱۵. اصلاحات باز توزیعی می‌توانند در درون بافت ملی و مطابق با قانون و مصوبات ملی به دلایل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مورد توجه قرار گیرند، از جمله زمانی که تمرکز بسیار بر مالکیت با میزان بالای فقری که معمولاً به فقدان دسترسی به زمین، صیدگاه و جنگل نسبت داده می‌شود ترکیب می‌گردد. این موضوع با مبحث حقوق دارندگان تصدی مشروع در بخش ۱۵ این رهنمودها در انطباق است. اصلاحات باز توزیعی باید دسترسی برابر مردان و زنان به زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را تضمین نماید.

۴-۱۵. در صورتی که دولت‌ها اجرای اصلاحات باز توزیعی را برمی‌گزینند باید اطمینان یابند که این اصلاحات با الزامات آنان در حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و ملی سازگارند. اصلاحات باید از قاعده حقوقی تبعیت کنند و بر اساس قوانین و رویه‌های ملی اجرا شوند. دولت‌ها باید در سازگاری با قواعد این رهنمودها توسعه مشورت‌ها را در

خصوص توزیع مجدد اراضی تسهیل بخشند. این فعالیت‌ها شامل تعادل بخشی به نیازهای طرف‌ها و رهیافت‌های اجرایی است. باید رابطه شرکت میان دولت، اجتماعات محلی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، سازمان کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک مقیاس مواد غذایی از صید و جنگل و دیگر طرف‌ها توسعه یابد. مشارکت‌های مالی و سایر مشارکت‌های مورد انتظار کمک گیرندگان باید منطقی بوده و آنان را با بار قروض غیر قابل کنترل تنها نگذارند. به کسانی که حقوق تصدی‌گری خویش بر زمین، صیدگاه‌ها و جنگل‌ها را واگذار می‌کنند باید بدون تأخیر مبالغی را معادل با ارزش حقوق مذکور پرداخت نمود.

۵-۱۵. در صورتی که دولت‌ها اجرای اصلاحات باز توزیعی را برمی‌گزینند باید به‌طور واضح مقاصد برنامه‌های اصلاحی را تعریف کنند باید اراضی مستثنی از این اصلاحات را مشخص سازند. بهره‌مندان مورد نظر همچون خانواده‌های خوش‌نشین، زنان، ساکنان با استقرار مکانی غیر رسمی، دامداران، گروه‌هایی با پیشینه تاریخی عدم بهره‌مندی، گروه‌های حاشیه‌ای، جوانان، مردمان بومی، خوشه‌چین‌ها و تولیدکنندگان کوچک مقیاس مواد غذایی باید به وضوح تعریف شوند.

۶-۱۵. در صورتی که دولت‌ها اجرای اصلاحات باز توزیعی را برمی‌گزینند باید به واسطه فرآیندهای مشارکتی سیاست‌ها و قوانین را توسعه دهند تا آن‌ها را تثبیت نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که سیاست‌ها و قوانین، دریافت‌کنندگان کمک‌ها را یاری می‌دهند خواه از اجتماعات و خانواده‌ها باشند، خواه از افراد، تا زمین، صیدگاه یا جنگل به استانداردهای کافی زندگی خود دست یابند و به رفتار برابر میان مردان و زنان در اصلاحات مربوط به توزیع

۱. معادل Redistributive Reforms به معنای اصلاحات مربوط به تئزیز مجدد اراضی

مجدد اراضی مطمئن شوند. دولت‌ها باید سیاست‌هایی را که امکان دارد از دستیابی به آثار مورد نظر و پایداری این آثار در اصلاحات مذکور ممانعت کنند بازنگری نمایند.

۷-۱۵. در همان حال که اصلاحات بازتوزیعی مورد توجه قرار می‌گیرد دولت‌ها در صورت تمایل می‌توانند به ارزیابی‌هایی در مورد آثار مثبت و منفی بالقوه این اصلاحات بر حقوق تصدی‌گری، امنیت غذایی و تحقق روزافزون حق دسترسی به غذای کافی، معیشت‌ها و محیط‌زیست مبادرت کنند. این فرآیند ارزیابی‌ها باید در سازگاری با دو اصل مشورت و مشارکت مذکور در این رهنمودها باشند. ارزیابی‌ها می‌توانند به‌عنوان مبنایی برای تعیین اقدامات مورد نیاز در حمایت از دریافت‌کنندگان کمک‌ها به کار روند و برنامه‌های توزیع مجدد اراضی را بهبود بخشند.

۸-۱۵. دولت‌ها باید اطمینان یابند که برنامه‌های اصلاحات مبتنی بر توزیع مجدد اراضی اقدامات کامل حمایتی مورد نیاز دریافت‌کنندگان کمک‌ها را نظیر دسترسی به اعتبارات، بیمه محصولات، نهادها، بازارها، کمک فنی در زمینه ترویج روستایی، توسعه زراعی و مسکن عملی می‌نمایند. فراهم نمودن خدمات حمایتی باید با فعالیت‌های دریافت‌کنندگان کمک‌ها بر اراضی هماهنگ باشد. هزینه کامل اصلاحات ارضی شامل هزینه خدمات حمایتی باید از قبل شناسایی شده و در بودجه‌های مربوطه گنجانده شود.

۹-۱۵. دولت‌ها باید اصلاحات بازتوزیعی را به واسطه رهیافت‌ها و رویه‌های شفاف، مشارکتی و پاسخگو اجرا کنند. تمام طرف‌های تحت تأثیر باید با توجه به فرآیند مربوطه و رویه غرامت بر اساس حقوق ملی و تمهیدات بخش ۱۶ هماهنگ شوند. تمام طرف‌های

تحت تأثیر که در برگیرنده گروه‌های غیر برخوردار نیز می‌گردند باید در مورد اصلاحات اطلاعات کامل و واضحی دریافت نمایند. اطلاعات مذکور از طریق پیام‌های با سویه جنسیتی^۱ ارائه می‌شوند. بهره‌مندان از کمک‌ها باید از طریق فرآیندهای باز انتخاب شوند و حقوق تصدی‌گری مطمئنی به شکل رسمی برای آنان ثبت گردد. دسترسی به ابزارهای حل اختلافات باید بر اساس نظام حقوقی ملی فراهم شود. دولت‌ها باید برای پیشگیری از فساد در برنامه‌های توزیع مجدد اراضی به ویژه از طریق شفافیت و مشارکت بیش‌تر تلاش کنند.

۱۰-۱۵. دولت‌ها باید با مشارکت طرف‌های دخیل پیامدهای برنامه‌های توزیع مجدد اراضی را پایش و ارزشیابی نمایند. این پیامدها سیاست‌های حمایتی که در پاراگراف شماره ۸-۱۵ فهرست شده است و آثار دسترسی به زمین و امنیت غذایی بین مردان و زنان را شامل می‌گردد و در صورت لزوم دولت‌ها باید اقدامات اصلاحی را نیز معرفی کنند.

۱۶. خلع ید و غرامت

۱-۱۶. دولت‌ها در تبعیت از حقوق و نظام قانونگذاری ملی خود و در انطباق با زمینه‌های ملی باید عمل خلع ید از زمین، صیدگاه و جنگل را تنها در جایی اعمال کنند که مقاصد عمومی چنین چیزی را ضروری سازد. دولت‌ها باید به روشنی مفهوم مقاصد عمومی را در نظام حقوقی تعریف نموده و بازنگری حقوقی را در این مورد امکان‌پذیر سازند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها در این زمینه با حقوق ملی، الزامات موجود تحت حقوق

۱. مبتنی بر نیازهای اطلاعاتی هر یک از دو جنسیت مرد و زن - مترجم.

ملی و بین‌المللی و نیز تعهدات داوطلبانه آن‌ها تحت ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند. دولت‌ها باید به تمام دارندگان حقوق تصدی مشروع به ویژه گروه‌های آسیب دیده و حاشیه‌ای ارج نهند. این مهم باید به واسطه برداشت کم‌ترین منابع مورد نیاز و ارائه فوری عین غرامت بر اساس حقوق ملی عملی گردد.

۲-۱۶. دولت‌ها باید اطمینان یابند که برنامه‌ریزی و فرآیند خلع ید شفاف و مشارکتی است. هر کسی که ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد باید شناخته شود، به سرعت مطلع گردد و در تمام مراحل مورد مشورت قرار گیرد. مشورت‌ها باید در سازگاری با اصول این رهنمودها اطلاعات مربوط به راه‌حل‌های امکان‌پذیر دستیابی به مقاصد عمومی را تهیه کرده و به راهبردهای به حداقل رساندن اختلال در معیشت‌ها توجه نمایند. دولت‌ها در جایی که خلع ید مورد نظر حوزه‌های مهم خاص فرهنگی، مذهبی یا زیست محیطی را درگیر می‌سازد و یا زمین، صیدگاه و جنگل به‌طور ویژه برای معیشت‌های فقرا و افراد آسیب‌پذیر مهم است باید حساسیت به خرج دهند.

۳-۱۶. دولت‌ها باید از ارزش‌گذاری عادلانه و غرامت فوری بر اساس حقوق ملی اطمینان یابند. برای مثال غرامت می‌تواند در شکل نقدی، زمین معوض و یا ترکیبی از هر دو باشد.

۴-۱۶. دولت‌ها تا جایی که منابع اجازه می‌دهند باید اطمینان یابند که مؤسسات اجرایی دارای ظرفیت‌های انسانی، فیزیکی، مالی و دیگر ظرفیت‌ها هستند.

۵-۱۶. در جایی که به دلیل تغییر در برنامه‌ها دیگر به زمین، صیدگاه و جنگل مورد نظر نیازی نیست دولت‌ها باید بیش‌ترین فرصت را به

دارندگان اولیه حقوق در عرصه‌های مذکور بدهند که این منابع را دوباره به دست آورند. در چنین مواردی در بازیابی منابع باید به میزان غرامت دریافتی برای خلع ید نیز توجه نمود.

۶-۱۶. تمام طرف‌ها باید در پیشگیری از فساد به ویژه از طریق کاربرد محاسبات عینی، فرآیندها و خدمات شفاف و غیر متمرکز و نیز حق استیناف تلاش کنند.

۷-۱۶. در جایی که تخلیه اجباری به‌عنوان نتیجه خلع ید از زمین، صیدگاه و جنگل برای مقاصد عمومی توجیه‌پذیر باشد دولت‌ها باید خود به این عمل مبادرت نموده و به روشی سازگار با الزامات مربوط به احترام، حفظ و اجرای حقوق بشر رفتار نمایند.

۸-۱۶. دولت‌ها پیش از تخلیه یا تغییر در کاربری زمین که به محروم کردن افراد و اجتماعات از حق دسترسی به منابع تولیدی آنان منجر می‌گردد باید با مشورت با طرف‌های تحت تأثیر و در سازگاری با اصول این مجموعه رهنمودها راه‌حل‌های جایگزین قابل دستیابی را کشف نمایند؛ با توجه به این نگرش که تا حد امکان از نیاز به تخلیه اجباری احتراز گردد و یا در حداقل میزان ممکن بدان مبادرت شود.

۹-۱۶. تخلیه یا تغییر مکان نباید به تحمیل بی‌خانمانی و یا آسیب‌پذیری افراد در تناقض با حقوق بشر منجر گردد. در صورتی که افراد تحت تأثیر در تجهیز خود ناتوان باشند دولت‌ها باید تا جایی که منابع اجازه می‌دهند اقدامات مناسب را برای اسکان جایگزین کافی، اسکان مجدد و یا دسترسی به زمین، صیدگاه و جنگل مولد به عمل آورند.

قطعات زمین، صیدگاه و جنگل مرتبط با این حقوق و وظایف می‌گردد.

۱۷-۲. دولت‌ها باید در تناسب با شرایط خاص خود که شامل منابع انسانی و مالی موجود نیز می‌گردد سامانه‌های ثبت سوابق را ایجاد کنند. روش‌های مناسب اجتماعی فرهنگی ثبت سوابق حقوق مردمان بومی و سایر اجتماعات محلی دارنده نظام‌های تصدی‌گری سنتی باید توسعه یافته و به کار روند. لازم است که هر دولتی تلاش کند به منظور افزایش شفافیت در منابع اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی فضایی و دیگر مقاصد چارچوبی یکپارچه را توسعه دهد که شامل نظام‌های موجود ثبت سوابق و دیگر نظام‌های اطلاعات فضایی باشد. در هر حوزه فضایی باید سوابق حقوق تصدی‌گری دولت، بخش خصوصی، مردمان بومی و دیگر اجتماعات محلی دارنده نظام‌های سنتی در یک سامانه یکپارچه ثبت نگهداری شود. در صورتی که ثبت حقوق تصدی‌گری سنتی و یا تصرفات در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ممکن نگردد باید توجه خاصی به ممانعت از ثبت رسمی حقوق برای طرف‌های رقیب در چنین نواحی مبذول گردد.

۱۷-۳. دولت‌ها باید تلاش کنند که اطمینان یابند هر کس می‌تواند حقوق تصدی‌گری خویش را ثبت و بدون تبعیض هر نوع از اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نماید. در صورت مساعد بودن شرایط، مؤسسات اجرایی نظیر ادارات ثبت املاک باید مراکز خدماتی یا دفاتری سیار را ایجاد کرده و به دسترسی زنان، فقرا و گروه‌های آسیب‌پذیر توجه نمایند. لازم است دولت‌ها به استفاده از حرفه‌ای‌ها نظیر حقوق‌دان‌ها، محضرداران، پرسشگران و دانشمندان علوم اجتماعی برای انتشار اطلاعات حقوق تصدی‌گری در سطح عمومی توجه کنند.

گفتار پنجم

اداره تصدی‌گری

در این گفتار حکمرانی بر اداره تصدی‌گری بر زمین، صیدگاه و جنگل در ارتباط با سوابق حقوق، ارزش‌گذاری، مالیات، برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده^۱، حل اختلافات بر سر تصدی‌گری و موضوع‌های فرامرزی بیان خواهد شد.

۱۷. سوابق حقوق تصدی‌گری

۱۷-۱. دولت‌ها باید سامانه‌هایی را (نظیر ثبت رسمی، کاداستر، سامانه‌های صدور مجوز) برای ثبت سوابق حقوق تصدی‌گری فردی و جمعی ایجاد کنند تا امنیت حقوق تصدی‌گری که شامل موارد مربوط به دولت، بخش عمومی، بخش خصوصی، مردمان بومی و دیگر اجتماعات با نظام‌های تصدی‌گری سنتی می‌گردد بهبود یابد و جوامع محلی و بازارها فعال شوند. این سامانه‌ها باید حقوق و وظایف تصدی‌گری را ثبت، ابقا و تعمیم نمایند که این موضوع در برگیرنده تمام دارندگان چنین حقوق و وظایفی و

۴-۱۷. مؤسسات اجرایی باید رویه‌های ساده و فناوری مناسب محلی را برای کاهش هزینه‌ها و زمان ضروری مربوط به خدمات توزیع اطلاعات اتخاذ نمایند. برای شناسایی قطعات و سایر واحدهای فضایی لازم است که اطلاعات فضایی به اندازه کافی دقیق باشند تا نیازهای محلی پاسخ داده شود و در صورت ضرورت با گذشت زمان دقت فضایی افزون‌تر فراهم گردد. برای آسان‌سازی استفاده از سوابق حقوق تصدی‌گری، مؤسسات اجرایی باید میان اطلاعات مربوط به حقوق تصدی‌گری، دارندگان این حقوق و واحدهای فضایی مرتبط با آنها اتصال و پیوند برقرار نمایند. سوابق باید برحسب واحدهای فضایی و دارندگان حقوق فهرست شوند تا حقوق طرف‌های رقیب و حقوق دارای اصطکاک و همپوشانی شناسایی شود. برای تسهیم اطلاعات در سطحی عمومی‌تر، سوابق حقوق تصدی‌گری باید برای مؤسسات دولتی و دولت‌های محلی در دسترس باشد تا خدمات خود را بهبود بخشند. لازم است اطلاعات بر اساس معیارهای ملی توزیع گردد که این موضوع شامل داده‌های تجمیع نشده و پراکنده مربوط به حقوق تصدی‌گری می‌شود.

۵-۱۷. دولت‌ها باید اطمینان یابند که اطلاعات حقوق تصدی‌گری به شرط رعایت محدوده‌های خصوصی به آسانی در دسترس همگان است. نباید این محدوده‌ها به شکل غیر ضروری از ممیزی عمومی برای شناسایی فساد و معاملات غیر قانونی جلوگیری کند. کنش‌گران دولتی و غیر حکومتی باید به واسطه فرآیندهای انتشار گسترده اطلاعات از فساد در ثبت حقوق تصدی‌گری و سایر موارد همچون شرایط، پرداختی‌ها، معافیت‌ها و محدوده‌های زمانی پاسخگویی به خدمات درخواستی ممانعت نمایند.

۱۸. ارزش‌گذاری

۱-۱۸. دولت‌ها باید اطمینان یابند که برای ارزش‌گذاری منصفانه و به موقع حقوق تصدی‌گری برای مقاصد خاصی نظیر عملیات بازار، امنیت وام‌ها، معاملات در حقوق تصدی‌گری به‌عنوان نتیجه سرمایه‌گذاری، خلع ید و مالیات نظام‌های مناسبی به کار گرفته می‌شوند. چنین نظام‌هایی باید مقاصد توسعه پایدار گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را ترویج نمایند.

۲-۱۸. سیاست‌ها و قوانین مرتبط با ارزش‌گذاری باید بکوشند تا اطمینان دهند که نظام‌های ارزش‌گذاری، ارزش‌های غیر بازاری همچون ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، فضایی و زیست‌محیطی را تا حد امکان به حساب می‌آورند.

۳-۱۸. دولت‌ها باید سیاست‌ها و قوانینی که شفافیت در حقوق تصدی‌گری را تشویق کرده و ضروری می‌سازند توسعه دهند. لازم است قیمت‌های فروش و سایر اطلاعات مرتبط ثبت، تجزیه و تحلیل و در دسترس قرار گیرد تا مبنایی را برای تخمین دقیق و قابل اتکای ارزش حقوق مذکور مهیا سازند.

۴-۱۸. لازم است که دولت‌ها و سایر طرف‌ها معیارهای ملی ارزش‌گذاری را برای مقاصد دولتی، تجاری و سایر مقاصد توسعه بخشیده و منتشر سازند. معیارهای ملی باید با معیارهای بین‌المللی مربوطه سازگار باشند. آموزش کارکنان باید شامل روش‌شناسی‌ها و معیارهای بین‌المللی باشد.

۵-۱۸. مؤسسات اجرایی باید مطابق با معیارهای ملی، اطلاعات و تجزیه و تحلیل خود را در مورد ارزش‌گذاری‌ها در دسترس عموم قرار دهند. دولت‌ها باید به واسطه شفافیت در اطلاعات و

روش‌شناسی‌ها، شفافیت در اداره منابع عمومی و نیز حسابرسی مؤسسات از فساد در حوزه ارزش‌گذاری‌ها ممانعت نمایند.

۱۹. مالیات

۱۹-۱. دولت‌ها توان آن را دارند که برای افزایش درآمد از طریق مالیات بر حقوق تصدی‌گری بدین منظور که مالیات در نیل به مقاصد گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی سهمی داشته باشد اقدام کنند. این مقاصد ممکن است شامل تشویق به سرمایه‌گذاری یا ممانعت از آثار ناخوشایندی نظیر زمین‌خواری و تمرکز مالکیت و زمین‌داری باشد. مالیات‌ها باید رفتارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی خوشایندی نظیر ثبت رسمی معاملات و یا اعلام کامل قیمت فروش را تشویق کنند.

۱۹-۲. دولت‌ها باید بکوشند سیاست‌ها، قوانین و چارچوب‌های سازمانی را برای تنظیم تمام جنبه‌های متعلق به مالیات بر حقوق تصدی‌گری توسعه دهند. سیاست‌ها و قوانین مالیاتی در صورتی که برای تأمین مالی مؤثر سطوح غیرمتمرکز دولت و تأمین محلی خدمات و زیرساخت‌ها مناسب باشند باید مورد استفاده قرار گیرند.

۱۹-۳. دولت‌ها باید مالیات‌ها را به صورتی کارآ و شفاف مدیریت نمایند. لازم است که کارمندان مؤسسات اجرایی آموزش‌های حرفه‌ای را در این خصوص که در برگزیده روش‌شناسی‌ها می‌باشد دریافت نمایند. مالیات‌ها باید بر پایه ارزش صحیح باشد. برآوردهای مربوط به ارزش‌ها و مقادیر قابل سنجش باید عمومیت یابد. دولت‌ها باید حق مالیات‌دهندگان را برای درخواست بازنگری در مقادیر مالیاتی مراعات نمایند. دولت‌ها باید به واسطه شفافیت بیش‌تر در کاربرد نرخ‌های تخمینی عینی بکوشند که از فساد در مدیریت مالیاتی ممانعت کنند.

۲۰. برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده

۲۰-۱. برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده به واسطه فشار قانونی بر کاربرد حقوق تصدی‌گری این حقوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت‌ها باید برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده را هدایت نموده؛ آن را پایش کنند و بر اساس برنامه عمل نمایند. این موضوع شامل توسعه متعادل و پایدار سرزمینی می‌گردد؛ به نحوی که مقاصد این مجموعه رهنمودها را ترویج کند. برنامه‌ریزی فضایی در این مورد باید مقاصد متفاوت به‌کارگیری زمین، صیدگاه و جنگل را با یکدیگر آشتی داده و هماهنگ سازد.

۲۰-۲. دولت‌ها باید سیاست‌ها و قوانین حساس به مقوله جنسیت را در مورد برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده از طریق مشورت و مشارکت توسعه دهند و منتشر سازند. در صورت مناسب بودن شرایط، نظام‌های برنامه‌ریزی رسمی باید به روش‌های برنامه‌ریزی و توسعه سرزمینی و فرآیندهای تصمیم‌گیری که توسط مردمان بومی و دیگر اجتماعات محلی دارای نظام‌های تصدی‌گری سنتی به کار می‌روند توجه کنند.

۲۰-۳. دولت‌ها باید اطمینان یابند برنامه‌ریزی فضایی تنظیم شده به شکلی هدایت شده که روابط درهم تنیده میان زمین، صیدگاه و جنگل و کاربردهای آن‌ها را که در برگزیده جنبه‌های جنسیتی این کاربردها نیز می‌گردد به رسمیت می‌شناسد. دولت‌ها باید به سمت تطبیق و اولویت‌بندی منافع عمومی، اجتماعی و خصوصی تلاش نمایند و ضرورت‌ها را برای کاربری‌های متنوعی همچون کاربری‌های روستایی، کشاورزی، عشایری، شهری و زیست محیطی همسان سازند. برنامه‌ریزی فضایی باید تمام حقوق تصدی‌گری را که شامل حقوق همپوشان و نوبتی نیز می‌گردد

مورد توجه قرار دهد. برای برنامه‌ریزی فضایی برآوردهای مخاطره ضرورت خواهد یافت. برنامه‌های فضایی ملی، منطقه‌ای و محلی باید هماهنگ شوند.

۲۰-۴. دولت‌ها باید اطمینان یابند که در توسعه طرح‌های برنامه‌ریزی و بازنگری پیش‌نویس برنامه‌های فضایی مشارکت عمومی وجود دارد؛ با این هدف که نسبت به انعکاس اولویت‌ها و منافع اجتماعات محلی شامل مردمان بومی و اجتماعات تولیدکننده مواد غذایی مطمئن شوند. اجتماعات محلی در صورت نیاز باید در طول فرآیندهای برنامه‌ریزی به حمایت‌های لازم مجهز شوند. مؤسسات اجرایی باید چگونگی مشارکت داده‌های مربوط به عموم را در نسخه‌های نهایی برنامه‌ها بازگو کند. دولت‌ها باید از طریق اعمال حفاظت‌های لازم در برابر کاربرد نابجای برنامه‌ریزی فضایی، به ویژه در خصوص تحولات مربوط به کاربری تنظیم شده بکوشند تا از بروز فساد ممانعت گردد. مؤسسات اجرایی باید نتایج پایش دقیق را گزارش دهند.

۲۰-۵. برنامه‌ریزی فضایی باید تا حد امکان نیاز به ترویج مدیریت پایدار تنوع یافته زمین، صیدگاه و جنگل را مورد توجه قرار دهد. چنین مدیریتی رهیافت‌های محیطی-کشاورزی و فشرده‌سازی پایدار را شامل می‌گردد و تغییرات آب و هوایی و امنیت غذایی را پاسخگو خواهد بود.

۲۱. حل اختلافات بر سر تصدی‌گری

۲۱-۱. دولت‌ها باید از طریق کارمندان بی‌طرف و با صلاحیت قضایی و اداری دسترسی به موقع، کافی و اثربخش به ابزارهای حل اختلافات بر سر تصدی‌گری را که شامل ابزارهای جایگزین حل

چنین نزاع‌هایی می‌گردد فراهم سازند و راه کارهای مؤثر و حق استیناف را امکان‌پذیر نمایند. این راه کارها باید به سرعت اجرا شوند. لازم است دولت‌ها سازوکارهای اجتناب از اختلافات بالقوه را هم در مؤسسات اجرایی و هم در خارج از آن‌ها در مرحله مقدماتی برای همگان در دسترس قرار دهند. خدمات حل اختلاف باید برای همگان خواه زن یا مرد، بر حسب مکان‌ها، زبان‌ها و رویه‌های متفاوت در دسترس باشند.

۲۱-۲. دولت‌ها می‌توانند به شناسایی محاکم یا مشاغل مختص حل اختلافات حقوق تصدی‌گری و ایجاد مشاغل کارشناسی در دستگاه‌های قضایی در ارتباط با مباحث فنی توجه نمایند. علاوه بر آن دولت‌ها می‌توانند برای اختلافات مربوط به تحقیقات برنامه‌ریزی فضایی تنظیم یافته و ارزش‌گذاری زمین نیز به محاکم خاص توجه کنند.

۲۱-۳. دولت‌ها باید گونه‌های جایگزین حل اختلافات به ویژه در سطح محلی را تقویت نموده و توسعه بخشند. در جایی که شکل‌های سنتی و تثبیت شده‌ای برای فیصله دادن به اختلافات وجود دارد دولت‌ها باید روش‌های منصفانه، قابل اتکا، قابل دسترس و غیر تبعیض‌آمیز حل اختلافات را فراهم نمایند.

۲۱-۴. دولت‌ها می‌توانند در قلمروهای ملی خود به استفاده از مؤسسات اجرایی حل اختلافات میان متخصصان فنی نظیر آنان که مسئول بررسی برای رفع اختلافات حدود (مرزی) قطعات منفرد هستند توجه نمایند. تصمیم‌ها باید به صورت مکتوب و بر اساس استدلال عینی انتشار یابند و در همان حال حق بازنگری برای مراجع قضایی نیز منظور گردد.

۲۱-۵. دولت‌ها باید بکوشند تا از فساد در فرآیندهای رفع اختلافات پیشگیری نمایند.

۶-۲۱. دولت‌ها در هنگام ایجاد سازوکارهای حل اختلاف باید بکوشند مساعدت‌های حقوقی را برای افراد آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای فراهم آورند تا از دسترسی سالم و بدون تبعیض به عدالت برای همگان اطمینان یابند. مراجع قضایی و سایر مقامات باید اطمینان یابند که کارکنان برای ایجاد این خدمات مهارت‌ها و صلاحیت‌های لازم را دارند.

۲۲. مباحث فرامرزی

۱-۲۲. دولت‌ها باید در چارچوب سازوکارهای مناسب و با مشارکت تمامی طرف‌های تحت تأثیر برای تعیین مسایل تصدی‌گری زمین‌ها، صیدگاه‌ها و جنگل‌هایی که مرزهای کشوری را در بر می‌گیرند همکاری نمایند. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها با الزامات موجود در حقوق ملی و بین‌الملل و توجه به تعهدات داوطلبانه آنان نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند. در شرایطی که موضوعی در مورد حقوق تصدی‌گری در ارتباط با مباحث فرامرزی پدید می‌آید تمام طرف‌ها در چارچوب قلمروهای خود باید برای حفظ حقوق تصدی‌گری و نیز حفاظت از معیشت‌ها و امنیت غذایی جمعیت‌های مهاجر با یکدیگر همکاری کنند.

۲-۲۲. دولت‌ها و سایر طرف‌ها باید در فهم مسایل تصدی‌گری فرامرزی که اجتماعات محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند مشارکت ورزند. مواردی همچون مسایل مربوط به مسیرهای کوچ رو و فصلی دامداران و عرصه صید ماهیگیران کوچک مقیاس که در طول مرزهای بین‌المللی واقع شده‌اند از جمله این مباحث به شمار می‌روند.

۳-۲۲. در شرایط مقتضی دولت‌ها باید در انطباق با الزامات موجود حقوق ملی و بین‌المللی و با توجه به تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی معیارهای حقوقی حکمرانی بر تصدی‌گری را هماهنگ سازند. در صورت اقتضا لازم است که چنین موضوعی به واسطه هماهنگی با اعضای ذی‌ربط منطقه‌ای و طرف‌های تحت تأثیر عملی گردد. دولت‌ها باید تا جایی که امکان دارد با مشارکت طرف‌های تحت تأثیر معیارهای موجود بین‌المللی را برای اداره حقوق تصدی‌گری در نقاط تلاقی مرزهای بین‌المللی توسعه بخشیده یا تقویت نمایند و در صورت وجود شرایط مناسب این موضوع را با طرف‌های ذی‌ربط منطقه‌ای هماهنگ سازند. باید این موضوع به‌طور ویژه برای حفاظت از معیشت‌ها و در انطباق با پاراگراف شماره ۸-۴ و حقوق تمام طرف‌های تحت تأثیر عملی گردد.

دلیل تغییرات آب و هوایی جابجا شوند راهبردها و فعالیت‌هایی را تدوین و اجرا نمایند. تهیه و تدارک زمین، صیدگاه، جنگل و معیشت جایگزین برای اشخاص جابجا شده نباید معیشت‌های دیگر مردمان را به مخاطره افکند. علاوه بر آن دولت‌های عضو فائو می‌توانند به پیشنهاد کمک‌های ویژه به دولت‌های در حال توسعه جزایر کوچک^۱ توجه نمایند.

۲۳-۳. دولت‌ها باید در سازگاری با دو اصل مشاوره و مشارکت موجود در این مجموعه رهنمودها، مشارکت تمامی افراد، اجتماعات و مردمان با تأکید بر کشاورزان، تولیدکنندگان کوچک مقیاس مواد غذایی و مردمان آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای دارای حقوق تصدی‌گری مشروع را در مذاکرات و اجرای برنامه‌های کاهش و تطبیق تسهیل نمایند.

۲۴. بلایای طبیعی

۲۴-۱. تمام طرف‌ها باید اطمینان یابند که جنبه‌های تصدی‌گرانه زمین، صیدگاه و جنگل در موقع پیشگیری و آمادگی برای بلایای طبیعی و پاسخ به آن‌ها مشخص می‌گردد. باید برای تصدی‌گری چارچوب‌های تنظیم شده‌ای نظیر برنامه‌ریزی فضایی طراحی شود تا از آثار بالقوه بلایای طبیعی اجتناب گردد یا این آثار به حداقل رسانده شوند.

۱. معادل عبارت Small island developing States در اشاره به کشورهای ساحلی که دستخوش چالش‌های مشابهی در توسعه پایدار نظیر پایین بودن جمعیت در عین حال روند رو به رشد آن، منابع محدود، دور افتادگی، حساسیت نسبت به بلایای طبیعی، آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های بیرونی و وابستگی بیش از حد به تجارت بین‌المللی‌اند. اولین بار در کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۲ این کشورها به‌عنوان گروه مجزایی از کشورهای در حال توسعه به رسمیت شناخته شد - مترجم.

گفتار ششم

پاسخ‌ها به تغییرات آب و هوایی و وضعیت‌های اضطراری

در این بخش حکمرانی بر تصدی‌گری زمین، صیدگاه و جنگل در قلمروی تغییرات آب و هوایی، بلایای طبیعی و درگیری‌ها مطرح می‌گردد.

۲۳. تغییرات آب و هوایی

۲۳-۱. دولت‌ها باید اطمینان یابند به حقوق تصدی‌گری مشروع زمین، صیدگاه و جنگل برای تمامی افراد، اجتماعات و مردمانی که می‌توانند تحت تأثیر قرار گیرند با تأکید بر کشاورزان، تولیدکنندگان کوچک مقیاس مواد غذایی و مردمان آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای ارج گذارده می‌شود و این حقوق حتی‌المقدور در سازگاری با الزامات مربوطه و در چارچوب موافقتنامه‌های مرتبط با تغییرات آب و هوایی با هدف ممانعت و واکنش در برابر آثار تغییرات اقلیمی توسط قوانین، سیاست‌ها، راهبردها و فعالیت‌ها محافظت می‌گردد.

۲۳-۲. در صورتی که شرایط اقتضا کند دولت‌ها باید با مشورت و مشارکت همگان اعم از زن و مرد و کسانی که ممکن است به

۲۴-۲. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها در این زمینه با الزامات موجود آن‌ها در حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای قابل اعمال منطقه‌ای و بین‌المللی سازگارند. تمام طرف‌ها باید حتی‌المقدور به اصول ملل متحد در مورد بازگشت مسکن و ملک برای پناهندگان و افراد رانده شده^۱ (قواعد عودت به سرزمین و خانه و کاشانه)^۲ و منشور انسان دوستانه با حداقل استانداردها در بلایای طبیعی عمل کرده و آن‌ها را مورد توجه قرار دهند.

۲۴-۳. دولت‌ها باید تصدی‌گری‌ها را در برنامه‌های آمادگی و پیشگیری از فجایع تعیین کنند. باید اطلاعات مربوط به حقوق تصدی‌گری مشروع در انطباق با دو اصل مشاوره و مشارکت به واسطه یک فرآیند برای نواحی در معرض آسیب جمع‌آوری گردد. سامانه‌های سوابق حق تصدی‌گری مشروع باید برای وضعیت بلایای طبیعی سازگار شوند. این موضوع شامل ذخیره‌سازی سوابق مذکور در خارج از ناحیه فاجعه می‌گردد تا اثبات حقوق برای دارندگان آن و بازبایی قطعات و سایر واحدهای فضایی را امکان‌پذیر سازد. دولت‌ها باید بکوشند نواحی اسکان موقت کسانی را که امکان دارد به واسطه بلایای طبیعی از نواحی خود رانده شوند شناسایی کنند. لازم است به منظور تأمین حقوق تصدی‌گری برای این افراد قواعدی ایجاد گردد.

۲۴-۴. دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید در مرحله پاسخ اضطراری نیز وضعیت تصدی‌گری را مشخص سازند. در این مرحله تهیه و تدارک زمین، صیدگاه و جنگل و معیشت جایگزین برای

اشخاص جابجا شده نباید حقوق و معیشت‌های دیگران را به مخاطره افکند. حق تصدی‌گری مشروع اشخاص جابجا شده نیز باید شناسایی شود، محترم شمرده شود و محافظت گردد. باید اطلاعات حقوق تصدی و کاربرد غیر مجاز آن برای تمام اشخاص تحت تأثیر منتشر گردد.

۲۴-۵. دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید در طول مرحله بازسازی حقوق تصدی‌گری را تشخیص دهند. کسانی که به‌طور موقت جابجا می‌شوند باید به صورت داوطلبانه، سالم و با احترام به مکان‌های اصلی خود بازگردانده شوند. بهتر است که ابزارهای حل اختلافات در مورد حقوق تصدی‌گری ایجاد گردد. در آن‌جا که بازسازی حدود قطعات و سایر واحدهای فضایی لازم می‌گردد این کار باید بر اساس دو اصل مشاوره و مشارکت صورت پذیرد. در شرایطی که مردم در بازگشت به مکان‌های اصلی خود ناتوان‌اند باید به صورت دائمی در مکان دیگری استقرار یابند. چنین استقرار دوباره‌ای باید از طریق مذاکره با اجتماعات میزبان صورت گیرد تا این اجتماعات اطمینان یابند که افراد جابجا شده به زمین، صیدگاه و جنگل و معیشت‌های جایگزین دسترسی دارند؛ آن‌چنان‌که حقوق و معیشت‌های دیگران را به خطر نخواهند افکند.

۲۵. درگیری‌های مربوط به تصدی زمین، صیدگاه و جنگل

۲۵-۱. تمام طرف‌ها برای پیشگیری و رفع مسایل زمین، صیدگاه و جنگل در مقام علت درگیری‌ها باید گام بردارند و اطمینان یابند که جوانب تصدی‌گری شامل موقعیت‌های سکونت در شرایط منطبق با حقوق بشر بین‌الملل در طول مدت و پس از شکل‌گیری درگیری تعیین و پیش‌بینی خواهد شد.

1. Displaced Persons

2. Pinheiro Principles

۲۵-۲. دولت‌ها باید اطمینان یابند که تمام فعالیت‌ها در سازگاری با الزامات موجود آن‌ها در حقوق ملی و بین‌الملل و تعهدات داوطلبانه نسبت به ابزارهای منطقه‌ای و بین‌الملل و حتی‌المقدور محتوای موافقتنامه مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل آن و اصول ملل متحد در مورد بازگشت مسکن و ملک برای پناهندگان و افراد رانده شده^۱ (قواعد عودت به سرزمین و خانه و کاشانه) می‌باشد. دولت‌ها در طول مدت و پس از برخوردها باید در مورد حقوق تصدی‌گری مشروع به حقوق انسانی قابل اعمال احترام گذارند.

۲۵-۳. برای آن‌که مسایل تصدی‌گری منجر به برخورد نگردد بهتر آن است که تمام طرف‌ها از طریق ابزارهای صلح‌آمیز برای حل مسئله اقداماتی به عمل آورند. دولت‌ها باید سیاست‌ها و قوانین مربوطه را برای رفع تبعیض و سایر عواملی که می‌تواند موجب برخورد گردد بازنگری نمایند. دولت‌ها در شرایط مناسب می‌توانند سازوکارهای محلی را که روش‌های منصفانه، قابل اتکا، حساس به مباحث جنسیتی، قابل دسترس و غیر تبعیض‌آمیز را برای حل فوری اختلافات مربوط به تصدی‌گری بر زمین، صیدگاه و جنگل فراهم می‌سازند به کار گیرند.

۲۵-۴. در هنگام بروز درگیری‌ها دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید بکوشند تا حقوق تصدی‌گری مشروع موجود محترم شمرده شده و محافظت گردد و تضمین نمایند که حقوق مذکور توسط سایر طرف‌ها پایمال نمی‌شود. دولت‌ها در انطباق با الزامات موجود مربوط به حقوق ملی و بین‌الملل نباید حقوق تصدی‌گری را که در قلمروی

آن‌ها به واسطه ابزارهای جبری و خشونت بار به دست آمده به رسمیت بشناسند. پناهندگان، اشخاص رانده شده و سایر کسانی که تحت تأثیر برخوردها قرار گرفته‌اند باید در شرایط سالمی استقرار یابند که حق تصدی‌گری اجتماعات میزبان حفظ گردد. موارد نقض حق تصدی‌گری باید مستند شده و سپس در شرایط مناسب جبران گردد. سوابق رسمی حقوق تصدی‌گری باید از تخریب و سرقت مصون بمانند تا برای تشخیص موارد نقض در فرآیندهای بعدی چنین شواهدی در دسترس باشد و فعالیت اصلاحی ممکن تسهیل شود. در نواحی که چنین شواهدی وجود ندارد حقوق تصدی‌گری موجود باید به بهترین وجه ممکن (با حساسیت لازم به جوانب مربوط به جنسیت اشخاص) از طریق تاریخچه‌ها و شهادت شفاهی افراد مستند گردد. باید حق تصدی پناهندگان و اشخاص رانده شده به رسمیت شناخته شود؛ محترم شمرده شود و محافظت گردد. باید اطلاعات مربوط به حقوق تصدی‌گری و به کارگیری غیر مجاز این حقوق برای تمام اشخاص تحت تأثیر منتشر گردد.

۲۵-۵. در شرایط وجود برخوردها و هر زمان ممکن یا هنگامی که درگیری‌ها فروکش نمود دولت‌ها و دیگر طرف‌ها باید اطمینان یابند که مسایل تصدی‌گری به روش‌هایی مشخص خواهند شد که به برابری جنسیتی و حمایت از حل درازمدت مسایل در افراد تحت تأثیر کمک نمایند. در جایی که بازگشت به مکان اصلی امکان‌پذیر می‌گردد و در وقت مقتضی پناهندگان و رانده‌شدگان باید به کمک کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان^۱ و سایر مؤسسات مرتبط به شکلی داوطلبانه و سالم توأم با احترام و طبق

1. The United Nations Principles on Housing and Property Restitution for Refugees and Displaced Persons

1. United Nations High Commission for Refugees (UNHCR)

معیارهای بین‌المللی قابل اعمال به مکان‌های اصلی خود عودت داده شوند. رویه‌های اعاده، بازسازی و بازپروری باید غیرتبعیض‌آمیز، حساس به مباحث جنسیت و در سطح وسیع‌تری تسری یابد و دعاوی مربوط به اعاده حقوق باید به سرعت رسیدگی گردد. رویه‌های اعاده حقوق تصدی‌گری مردمان بومی و سایر اجتماعات محلی دارای حقوق نظام‌های تصدی‌گری سنتی باید برای استفاده منابع اطلاعاتی مرسوم مهیا گردد.

۶-۲۵. در جایی که اعاده حقوق در مکان‌های پیشین امکان‌پذیر نیست باید در مورد فراهم آوردن دسترسی مطمئن به زمین، صیدگاه، جنگل و معیشت جایگزین برای پناهندگان و اشخاص رانده شده با جوامع میزبان و دیگر طرف‌ها مذاکره گردد تا اطمینان یابند که اسکان مجدد این افراد معیشت‌های دیگران را به مخاطره نمی‌افکند. در صورت امکان باید رویه‌های خاص، افراد آسیب‌پذیر را که شامل زنان و کودکان بی‌سرپرست نیز می‌گردد با دسترسی ایمن به زمین، صیدگاه و جنگل برخوردار سازند.

۷-۲۵. در شرایط مقتضی باید سیاست‌ها و قوانین برای تشخیص تبعیض‌های ماقبل و همزمان با درگیری‌ها بازنگری شوند. در شرایط مناسب و ضروری باید مؤسسات مرتبط برای توزیع خدمات ضروری ویژه حکمرانی بر تصدی‌گری مسئولیت‌پذیر بازگشایی شوند.

برای اجرای این مجموعه رهنمودها که شامل همکاری‌های جنوب - جنوب نیز می‌گردد حمایت نمایند. حمایت مزبور می‌تواند شامل همکاری فنی، کمک مالی، توسعه ظرفیت‌های سازمانی، توزیع دانش و تبادل تجارت، کمک به توسعه سیاست‌های ملی تصدی‌گری و انتقال فناوری باشد.

۴-۲۶. کمیته‌ای با موضوع امنیت غذایی جهانی باید به‌عنوان مجمعی پدید آید که در آن تمام کنش‌گران مرتبط از تجارب یکدیگر فرا گیرند و پیشرفت در اجرای این مجموعه رهنمودها و ارتباط، اثرگذاری و تأثیر آن‌ها را ارزیابی نمایند. بنابراین دبیرخانه کمیته امنیت غذایی جهانی با همکاری گروه مشورتی باید در خصوص پیشرفت در اجرای این رهنمودها، ارزشیابی تأثیر و مشارکت آن‌ها در پیشبرد حکمرانی بر تصدی‌گری گزارش دهد. این گزارش‌ها باید جهان شمول و شامل بسیاری موارد، تجارب منطقه‌ای، فعالیت‌های برگزیده و درس‌های فرا گرفته باشند.

۵-۲۶. تمام طرف‌ها شامل سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی تشویق می‌گردند که تلاش‌های مشترکی را برای ترویج و اجرای این مجموعه رهنمودها در انطباق با اولویت‌ها و زمینه‌های ملی خویش به کار گیرند. تمام طرف‌ها ترغیب می‌شوند اطلاعات مربوط به حکمرانی بر تصدی‌گری مسئولیت‌پذیر را برای بهبود اقدامات منتشر سازند.

گفتار هفتم

گسترش، اجرا، پایش و ارزشیابی

۲۶. مسئولیت

۱-۲۶. دولت‌ها بر اساس ماهیت داوطلبانه این مجموعه از رهنمودها در اجرا، پایش و ارزشیابی آن‌ها دارای مسئولیت‌اند.

۲-۲۶. دولت‌ها تشویق می‌گردند که در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای برنامه‌های کاری و چارچوب‌هایی را راه‌اندازی کنند و یا برنامه‌ها و چارچوب‌های موجود را برای همکاری در اجرای این رهنمودها به کار گیرند؛ فعالیت‌های اجرایی را در یک حوزه اداری پایش و ارزشیابی کنند و آثار اقدامات حکمرانی را بر تصدی‌گری و بهبود امنیت غذایی و نیز تحقق روزافزون حق غذای کافی در قلمروی امنیت ملی و توسعه پایدار ارزشیابی نمایند. این فرآیند باید فراگیر، مشارکتی، حساس به مباحث جنسیتی، قابل اجرا، هزینه‌کارا و پایدار باشد. دولت‌ها برای اجرای این وظایف می‌توانند در پی دریافت حمایت از سوی اعضای منطقه‌ای و بین‌المللی فائو باشند.

۳-۲۶. شرکای توسعه، مؤسسات تخصصی ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای تشویق می‌گردند که از تلاش‌های داوطلبانه دولت‌ها